



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله عليها)

شهرستان ارومیه

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان

نقش و جایگاه ولایت فقیه در بهبود مدیریت کارآمد نظام اسلامی

استاد راهنما

سرکار خانم جهان پور

استاد داور

حجت الاسلام والمسلمین اسم حسینی

پژوهشگر

سمیه جباری

۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع: نقش و جایگاه ولایت فقیه در بهبود مدیریت کارآمد نظام اسلامی

که توسط سرکار خانم: **سمیه جباری**

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است، توسط هیأت داوران مورد ارزیابی قرار

گرفته و در تاریخ / ۱۳۹۲ ، با کسب رتبه پذیرفته شده است.

استاد راهنما : **سرکار خانم جهان پور**

استاد داور : **حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای اسم حسینی**

مدرسه علمیه : **الزهرا (علیها السلام)**

شهرستان : **ارومیه**

امضاء مدیر و مهر مدرسه

تحمیدیه

ای مهربان خدای!

گم گشته‌ام تو بودی و کردم چو دیده باز

دیدم به آسمان و زمین و بر بام و در

تابنده نور توست

هرجا ظهور توست

دیدم به هیچ نقطه تهی نیست جای تو

خوش می‌درخشد از همه سو جلوه‌های تو

ای مبدأ وجود!

از کثرت ظهور، نهان شد که کیستی

از هرچه ظاهر است، تویی آشکارتر ... مستور نیستی

نزدیک‌تر از من به منی، دور نیستی

تو آشکاره‌ای ... من زین میان گم

کور ار نبیند، این گنه آفتاب نیست

نقص از من است، و نه رُخت را حجاب نیست

ای مهربان خدای!

در قلب من تبی است گدازان و دردناک!

تقدیم

تقدیم به اوصیاء عظام و اولیاء کرام، به خصوص ولایت مداران حقیقت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام) و وارثان آن حضرت تا صاحب نهایی، حضرت وصی خاتم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، که آن امامان همام، همواره تاج امامت را با مدال شهادت قرین ساخته، شمس وجود محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را گسترانیدند.

تقدیر و تشکر

با سپاس و امتنان از مدیریت محترم سرکار خانم پورحیدر
و استاد راهنمای بزرگوارم سرکار خانم جهان پور که زحمات بی شائبه ایشان عامل اصلی پیشبرد این
تحقیق بود.

همچنین پدر و مادر عزیزم که زحمات گرانقدر ایشان قابل تشکر و قدردانی است
و تمامی دوستان و عزیزانی که به نحوی مرا یاری کردند.

چکیده

واژه ولایت به معنای قرب و نزدیکی و در فقه به معنای فهم و ادراک است. ولایت فقیه به معنای حاکمیت فقیه جامع الشرایط، آگاه به زمان و مکان، توانا بر رهبری جامعه‌ی اسلامی سرپرست کلیه شئون زندگی و استمرار حکومت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان معصوم (علیهم السلام) است که نقش هدایت و راهنمایی بشریت را بر عهده دارد.

ولایت فقیه که پایه و اساس حکومت جمهوری اسلامی ایران را تشکیل داده است، دارای وظایف خاصی است. مسئولیت ایشان در سطح توسعه نظام اسلامی، دفاع از هویت و قدرت اسلامی، با التزام به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، تأکید بر وحدت ملی و اسلامی ایستادگی در برابر قدرت‌های استکباری و تعهد عملی به دین در دفاع از منافع و قدرت‌های اسلامی می‌باشد.

هم‌چنین ولی فقیه در چارچوب دولت اسلامی با نظارت بر کار قوای سه گانه، رابطه‌ی میان آن‌ها را ایجاد می‌کند و با نظارت بر نهادهای خاص، اهداف اسلامی را پیش می‌برد. از شئون دینی ایشان می‌توان به مواردی هم‌چون: افتاء، ولاء و قضاء اشاره نمود. ولی فقیه در قبال شهروندان نیز وظایفی دارد که از جمله آن‌ها: خدمتگذار دانستن خود، تکلیف مداری، رعایت حال ضعفا و محرومان و ... است.

ولایت فقیه با علم و تدبیر و دوراندیشی خود، جامعه اسلامی را در تمام حیطه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به سوی کمال و رشد و تعالی، سوق داده و با هوشمندی ذکاوت، شمس سیاسی - اجتماعی، مشورت با علما، دولتمردان و نخبگان، گره از مشکلات نظام جمهوری اسلامی در حساس ترین لحظات و خطرناک‌ترین گردنه‌های مسیر پرخطر، گشوده است.

کلید واژه‌ها: ولایت، فقیه، ولایت فقیه، کارآمد، کارآمدی نظام اسلامی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه

بخش اول : کلیات

فصل اول : طرح نامه

۴	۱. تعریف و تبیین موضوع
۴	۲. اهمیت و ضرورت تحقیق
۵	۳. اهداف و فوائد تحقیق
۵	۴. پیشینه تحقیق
۶	۵. سوالات تحقیق
۶	۶. فرضیه تحقیق
۷	۷. روش تحقیق
۷	۸. ساختار تحقیق
۸	۹. واژگان کلیدی
۹	۱۰. محدودیت، مشکلات و موانع تحقیق

فصل دوم : مفاهیم

۱۱	۱. ولایت در لغت و اصطلاح
۱۲	۲. فقیه کیست؟
۱۳	۳. مفهوم کارآمدی
۱۴	۴. انواع ولایت
۱۶	۵. مولفه‌های جریان حاکمیت ولایت فقیه
۱۷	۶. مفهوم ولایت مطلقه فقیه
۱۹	۷. تاریخچه بحث ولایت فقیه
۲۰	۸. عناصر و مولفه‌های کارآمدی نظام اسلامی
۲۲	۹. شاخصه‌ها و مکانیسم‌های کارآمدی ولایت فقیه در نظام اسلامی
۲۶	۱۰. میزان درسنجش کارآمدی نظام

۱۱. انواع موانع کارآمدی نظام ۲۷

بخش دوم : وظایف ولایت فقیه در نظام اسلامی

فصل اول : وظیفه ولی فقیه در سطح توسعه نظام اسلامی

۱. توسعه تمدن اسلامی ۳۱
۲. دفاع از هویت و منافع امت اسلامی ۳۲
۳. دفاع از قدرت اسلام و از میان بردن فتنه‌ها ۳۳

فصل دوم : وظیفه ولی فقیه در چارچوب دولت اسلامی

۱. کنترل و نظارت در قوای سه گانه ۳۷
- ۱-۱- نظارت در قوه مقننه ۳۷
- ۲-۱- نظارت در قوه مجریه ۳۹
- ۳-۱- نظارت در قوه قضائیه ۴۲
۲. نظارت و دخالت در نهادهای خاص ۴۳
- ۱-۲- رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام ۴۳
- ۲-۲- رهبری و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ۴۵
- ۳-۲- رهبری و بازنگری قانون اساسی ۴۶
۳. سیاست گذاری‌های کلی و هدایت کلان امور کشور ۴۸

فصل سوم : وظیفه ولی فقیه در شؤون دینی

۱. وظیفه افتاء ۵۲
۲. وظیفه قضاء ۵۳
۳. وظیفه ولاء ۵۵

فصل چهارم : وظیفه ولی فقیه نسبت به شهروندان

۱. تکلیف مداری ۵۷
۲. صدور فرمان بر اساس دستورات خدا ۵۸
۳. مشورت با نخبگان ۵۸
۴. خدمتگذار دانستن خود ۵۹
۵. اطلاع رسانی ۶۰

۶. رعایت حال ضعفا و بینوایان ۶۱

بخش سوم: بررسی مدیریت کارآمد ولایت فقیه در حیطه‌های مختلف نظام

فصل اول: حیطه سیاسی

۱. حفظ استقلال کشور و جلوگیری از وابستگی ۶۴

۲. تدبیر ولایت فقیه بر فن آوری هسته‌ای ۶۶

۳. نقش ولی فقیه در تداوم انقلاب اسلامی ۶۸

فصل دوم: حیطه اقتصادی

۱. رشد و ساماندهی اقتصادی ۷۱

۲. جلوگیری از اخلال اقتصادی ۷۳

فصل سوم: حیطه اجتماعی

۱. تعمیق و گسترش اخلاق در جامعه ۷۶

۲. تحول مستمر اصلاحی جامعه ۷۷

۳. برقراری عدالت در روابط اجتماعی به عنوان ارزش محوری ۷۸

۴. مانع انحراف جامعه ۸۰

فصل چهارم: حیطه فرهنگی

۱. نقش رهبر در زمینه نشر و هدایت فرهنگ ۸۲

۲. اولویت دادن به فرهنگ و امر آموزش و پرورش ۸۴

نتیجه گیری ۸۷

فهرست منابع ۸۸

مقدمه

اسلام، ولایت و سرپرستی جامعه را که از نیازهای طبیعی و فطری بشر است، لازم و ضروری می‌شمارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمان خود، سرپرستی جامعه را بر عهده گرفت و برای بعد از خود، ولی تعیین کرد. در زمان غیبت هم مقام ولایت لغو نشده و اسلام آن را مهمل نگذاشته است؛ بلکه فقیه جامع شرایط را نایب امام معرفی نموده است.

ولایت فقیه نسخه الهی برای اداره جوامع در عصر غیبت است که کارآمدی خود را در پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، ایجاد و اداره یک نظام کامل و مدیریت بحران‌ها و چالش‌ها، در فرماندهی جبهه اسلام مقابل تمامیت اردوگاه کفر، هدایت امت اسلام و پاسخگویی به نیازها و اقتضائات زمان در طول بیش از سه دهه گذشته نشان داده است.

پیروزی انقلاب اسلامی مرهون رهبری بی‌نظیر مردی از سلاله پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و در کسوت مرجعیت و روحانیت، سرشار از ایمان، تقوا و بصیرت و دارای ظرفیت روحی علوی و شجاعت و ایثار حسینی بود که گشاینده افق‌هایی امیدآفرین در زندگی بشریت شده است.

رهبری علی‌گونه امام راحل (رحمه الله علیه) و استمرار اثربخش و مثال‌زدنی مدیریت و رهبری خلف صالح او، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، الگوی نوینی از رهبری و مدیریت را به جهانیان نشان داد که دارای اهدافی آسمانی است؛ اما پیوندی عمیق با مردم دارد که تحقق عدالت را هدف خویش می‌داند، به انسان‌ها عشق می‌ورزد و در برابر ظلم و استعمار چون کوهی استوار و دست‌نیافتنی، می‌ایستد.

بخش اول

کلیات

فصل اول

طرحنامه

۱- تعریف و تبیین موضوع

در مکتب مقدس اسلام، حق ولایت و حکومت در اصل بر عهده خداوند است و ولایت در زمان ما بر عهده جانشین پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) یعنی ولایت فقیه است که اذن تصرف در تمامی شئون را دارد. ولایت و رهبری در تمامی نظام‌ها، از جایگاه و نقش محوری و ویژه‌ای برخوردار است که نمی‌توان بی نیاز از آن بود. نگاهی گذرا به گذشته و مشاهده نابسامانی‌ها به روشنی گویای این واقعیت است که عامل اصلی بروز چنین وضعیتی، نبود پایگاهی محکم به عنوان محوریت جامعه اسلامی بوده است. از این رو اسلام، حکومت ولی فقیه عادل را به عنوان عاملی سعادت بخش تشریح کرده تا مسلمانان در سایه آن به سعادت ابدی نائل آیند. بنابراین؛ نقش ولایت فقیه و مدیریت کارآمدی ایشان در جامعه احساس می‌شود که در این نوشتار سعی خواهیم کرد مدیریت ولایت فقیه در کارآمدی نظام اسلامی را تبیین نماییم.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از مهم‌ترین مسائل بحث برانگیز در جامعه اسلامی، مبحث ولایت فقیه است؛ چرا که سنگ بنای نظام جمهوری اسلامی است. در نظام اسلامی که اداره امور جامعه بر اساس قوانین دین است و تأمین نیازهای معنوی مردم در کنار توجه و تأمین نیازهای مادی از اهداف و وظایف حکومت اسلامی به شمار می‌رود، اهمیت، جایگاه و نقش رهبری بیش‌تر آشکار می‌گردد. از این رو ولایت و رهبری در

اسلام به عنوان یکی از پایه‌های اساسی، بلکه مهم‌ترین رکن اسلام معرفی شده است که ما در این تحقیق به طور مفصل نقش و جایگاه ولایت فقیه را در بهبود مدیریت کارآمد نظام اسلامی بیان خواهیم کرد.

۳- اهداف و فوائد تحقیق

از آن جا که وجود ولایت فقیه در نظام اسلامی بدون شناخت ماهیت حکومت دینی امکان پذیر نیست و ولایت فقیه از ابتدای پیدایش حکومت اسلامی در رأس امور بوده است. بدین جهت از فواید بارز وجود ولایت فقیه، مدیریت کارآمد ایشان در همه نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نظام اسلامی است که موجب رشد همه جانبه جامعه به ویژه از بعد دینی می‌گردد. که ما در این تحقیق به یاری خداوند متعال آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۴- پیشینه تحقیق

در کتاب ولایت فقیه، آیت الله جوادی آملی به رشد نظام‌های فرهنگی و اقتصادی و وظایف ولی فقیه پرداخته که ما علاوه بر موضوعات اقتصادی و فرهنگی به مباحث سیاسی و اجتماعی و به حل مشکلات در نظام اسلامی نیز می‌پردازیم.

از جمله کتب دیگر، کتاب ولایت فقیه و تفکیک قوا تألیف مصطفی ناصحی است که از وظایف ولایت فقیه فقط به موضوع نظارت در قوای سه گانه و نهادهای خاص پرداخته و به دیگر وظایف اشاره‌ای نکرده است که ما تقریباً در این مجال به همه وظایف اشاره می‌کنیم.

کتاب نظام سیاسی اسلام نوشته علی اصغر نصرتی، به موضوع نظام‌های سیاسی نگاهی اجمالی داشته است که در این تحقیق به آن اشاره خواهد شد.

در بخش مقالات، مقاله نقش ولایت فقیه در ارزش‌ها اثر عباس عظیمی شوشتری است که به نقش ولایت فقیه اشاره کرده و مقاله نظام اقتصادی اسلام و کارآمدی اثر دکتر مجید رضایی به نقش ولایت فقیه در نظام اقتصادی پرداخته که ما در این تحقیق به همه نظام‌ها می‌پردازیم.

از جمله پایان‌نامه‌های تدوین شده در این موضوع، پایان‌نامه‌ای تحت عنوان ویژگی‌ها و امتیازات نظام مبتنی بر ولایت فقیه است که توسط فرشته سلیمانی به طور اجمالی به موضوع یاد شده پرداخته است که ما در این نوشتار به صورت تفصیلی به آن خواهیم پرداخت.

۵- سوالات تحقیق

سوال اصلی: نقش ولایت فقیه در بهبود مدیریت کارآمد نظام اسلامی چگونه باید باشد؟

سوالات فرعی:

- ۱) نقش ولایت فقیه در ساماندهی و رشد اقتصادی چگونه است؟
- ۲) در تداوم انقلاب اسلامی نقش ولی فقیه چیست؟
- ۳) وظیفه ولایت فقیه در نظام اسلامی چیست؟
- ۴) آیا نقش ولایت فقیه در برقراری عدالت در روابط اجتماعی به عنوان ارزش محوری است؟
- ۵) عناصر و مولفه‌های کارآمدی نظام اسلامی چیست؟
- ۶) موانع و میزان سنجش در کارآمدی نظام چیست؟
- ۷) نقش رهبر در زمینه نشر و هدایت فرهنگ چگونه است؟
- ۸) نقش رهبر در تحول و اصلاح جامعه چیست؟
- ۹) شاخصه‌ها و مکانیسم‌های کارآمدی ولایت فقیه در نظام اسلامی چیست؟

۶- فرضیه تحقیق

مهم‌ترین عامل بهبود مدیریت کارآمد نظام اسلامی، ولایت فقیه است.

۷- روش تحقیق

شیوه‌های تحقیق عبارتند از: کتابخانه‌ای، توصیفی، بنیادی. که در این نوشتار بیش‌تر از روش کتابخانه‌ای به شیوه نقل مطالب از کتب که در بعضی از موارد با تحلیل مختصری همراه است، استفاده شده است. البته ناگفته نماند در نقل مطالب، گاهی از شیوه‌های خلاصه نویسی و گزینش مطالب نیز استفاده شده است.

روش کتابخانه‌ای: تحقیقی است که از طریق بررسی مدارک، اسناد، منابع و متون به دنبال دستیابی به هدف خود است.

روش توصیفی: تحقیقی است که فقط در سطح توصیف و تبیین موضوع انجام می‌شود.

روش بنیادی: تحقیقی است که به قصد کشف حقایق بیش‌تر انجام می‌شود.

۸- ساختار تحقیق

بخش اول: کلیات

فصل اول: طرحنامه

فصل دوم: مفاهیم

بخش دوم: وظایف ولایت فقیه در نظام اسلامی

فصل اول: وظیفه ولی فقیه در سطح توسعه نظام اسلامی

فصل دوم: وظیفه ولی فقیه در چارچوب دولت اسلامی

فصل سوم: وظیفه ولی فقیه در شئون دینی

فصل چهارم: وظیفه ولی فقیه نسبت به شهروندان

بخش سوم: بررسی مدیریت کارآمد ولایت فقیه در حیطه‌های مختلف نظام

فصل اول: حیطه سیاسی

فصل دوم: حیطه اقتصادی

فصل سوم: حیطه اجتماعی

فصل چهارم: حیطه فرهنگی

۹- واژگان کلیدی

ولایت در لغت به معنای سرپرستی کردن، تدبیر نمودن و فرمانروایی است.

ولایت در اصطلاح به معنای استیلا و اعمال سلطه و تصرف در شئون زندگی دیگران، به نحوی که

لزوم اطاعت دیگران را به دنبال داشته باشد.

فقیه در لغت به معنای دانشمند دینی است.

فقیه در اصطلاح به معنای کسی که احکام شرع را از ادله اربعه استخراج نماید.

ولایت فقیه به معنای حاکمیت فقیه جامع شرایط آگاه به زمان و مکان و توانا بر رهبری جامعه

اسلامی که سرپرستی کلیه شئون زندگی توسط ایشان است.

کارآمد در لغت به معنای کاردان، کارآموده و شایسته است.

کارآمد در اصطلاح بیانگر قابلیت و توانایی اداره کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است و ایفای بهینه کار ویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایت‌مندی مردم را در پی دارد.

کارآمدی نظام اسلامی عبارت است از توانایی نظام اسلامی برای بسیج منابع در جهت انجام کار ویژه‌های خود به طور موفقیت‌آمیز.

۱۰- محدودیت‌ها، مشکلات و موانع تحقیق

به دلیل پراکندگی و از هم گسیخته بودن مطالب، جمع‌آوری موارد مربوط به تحقیق نیازمند صرف زمان بیشتر و هزینه بود که البته در راستای پیشبرد اهداف تحقیق مورد نظر، متحمل این سختی‌ها شده‌ام.

فصل دوم:

مفاهيم

۱- ولایت در لغت و اصطلاح

ولایت در لغت از ریشه ولی به معنای قرب و دنوّ و نزدیکی است.^۱

راغب، نیز می‌گوید:

«دو چیز، هرگاه چسبیده و کنار هم قرار گیرند که شیء سوم، میان آن دو فاصله‌ای پدید نیاورد و پیوندشان را از

هم نگسلد، واژه ولیّ معنا و مفهوم پیدا می‌کند.»^۲

از نظر اصطلاحی، معنای ولایت تا حدودی در سه حوزه علم فقه، عرفان و کلام با یکدیگر تفاوت

دارد.

ولایت در علم فقه: ولایت (به کسر واو) در اصطلاح فقها به معنای «سلطه بر غیر به حکم عقل یا

شرع در بدن یا مال یا هر دو اصالتاً یا عرضاً می‌باشد.» منظور از ولایت عرضی آن است که ولایت از

دیگری به شخص انتقال یابد، مانند ولایت قیم از طرف پدر.^۳

ولایت با تعابیر مختلف دیگری هم به کار برده شده؛ هم‌چون: «جواز تصرف»، «تصرف در امر و

نهی»، «تصرف و حاکمیت بر شخص یا کار دیگری»، «احق و اولی به تصرف» اما مضمون همگی

«تصرف و قیام به شئون غیر» است.^۴

۱. لابی الحسین، احمد ابن فارس بن زکریا، المتوفی، معجم مقائیس اللغه، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶۴.

۲. حسین ابن محمد بن المفضل، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، نشر سبحان، ۱۳۸۶، ص ۸۸۵.

۳. مصطفی، ناصحی، ولایت فقیه و تفکیک قوا، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸، ص ۹۵.

۴. علی اصغر، نصرتی، نظام سیاسی اسلام، چاپ هشتم، نشرهاجر، قم، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳.

ولایت در علم عرفان: ولایت معمولاً برای تبیین مقامات سالک و شیوه سرپرستی او در مراحل مختلف سیر و سلوک، به کار می‌رود. از دیدگاه عرفا، شخصی که به مقام ولایت دست می‌یابد، حق تعالی در او تجلی می‌کند، صاحب کشف و کرامت می‌شود و از بسیاری از امور غیبی و پنهانی باخبر می‌گردد؛ بنابراین؛ به عنوان مرشد و پیر طریق، می‌تواند چراغ هدایت باشد و سالک را از خطرات راه آگاه کرده و نشانه‌های درجات کمالی بالاتر را برای او ترسیم و توصیف نماید.^۱

ولایت در علم کلام: ولایت مفهومی عام و فراگیرتر دارد و به معنای امامت و رهبری اجتماعی و تاریخی طرح می‌شود. از دیدگاه علمای علم کلام، ولایت یک مسئله اعتقادی است که جایگاهی بس رفیع دارد و منظور از آن، استمرار کلیه شئون هدایت و رهبری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به جز نبوت، در جانشینان آن حضرت است.^۲

مراد از ولایت در این تحقیق ولایت در علم کلام است.

۲- فقیه کیست؟

کلمه فقیه در لغت، به معنای فهم و علم و ادراک است. در قرآن کریم، تفقه در دین به کار رفته که مقصود از آن، فهم معارف دینی است و در اصطلاح به معنای علم به احکام شرعی از طریق استنباط و اجتهاد، تعریف شده است. بر این اساس، فقیه به کسی گفته می‌شود که با فراگیری علوم و دانش‌های مورد نیاز، توانایی لازم برای استنباط احکام شرعی از منابع دینی را داشته باشد.^۳

۱. همان، ص ۲۲۵.

۲. همان، ص ۲۲۶.

۳. مصطفی، جعفرپیشه فرد، مفاهیم اساسی نظریه ولایت فقیه، چاپ اول، نشر دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵.

یک فقیه اگر بخواهد رسالت دینی خود مبنی بر حضور در صحنه سیاسی، اقتصادی و سرپرستی امور مسلمین را به انجام برساند، باید از حوادث اجتماعی باخبر بوده و به دو عنصر زمان و مکان به طور کامل آگاه باشد. امام خمینی (رحمه الله علیه) در ارتباط با این نکته مهم می‌فرماید: «یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها باشد؛ ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسایل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام امور جامعه را به دست گیرد»^۱

۳- مفهوم کارآمدی

درحقیقت کارآمدی رامی‌توان بیانگر قابلیت و توانایی یک نظام اجتماعی در رسیدن به اهداف تعیین شده و حل مشکلات جامعه دانست؛ آن هم با وجود امکانات و موانعی که در هر جامعه با توجه به اهداف آن متفاوت است. براین اساس کارآمدی برپایه مقولاتی از قبیل توانایی، اهداف، امکانات، موانع و جوامع مختلف تبیین می‌شود.

کارآمدی به وجه عمومی دولت برمی‌گردد، بنابراین؛ دولتی کارآیی دارد که کار ویژه‌های عمومی خود، یعنی همبستگی اجتماعی و سیاسی، حل کشمکش‌ها و منازعات دست‌یابی به اهداف کلی حکومت و تطبیق با شرایط جدید و متحول را بتواند با موفقیت به انجام رساند.

۱. روح الله، موسوی خمینی، صحیفه امام، جلد ۲۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۶.

کارآمدی از جمله مسائل مهم پیش‌روی نظام‌های سیاسی معاصر است. ولایت فقیه به عنوان نیابت عامه از امام معصوم (علیه السلام) در عصر غیبت در اندیشه و عمل شیعی مطرح است ولی فقیه به دلیل برخوردار-داری از صفات و ویژگی‌های بنیاد یعنی هم چون عدالت و علم به شریعت و به عنوان امتداد نظام امامت، از حقانیت لازم برای اداره حکومتی کارآمد برخوردار است.^۱

۴- انواع ولایت

۴-۱- ولایت تکوینی

ولایت تکوینی یا حقیقی، یعنی حق تصرف و تدبیر در خلقت بر اساس اراده و مشیت و بدون دخالت، اراده و اختیار مولی علیه، در این تصرف و اعمال سلطه این نوع ولایت، بازگشتش به علیت است.^۲

لازمه اثبات ولایت و حکومت برای امام (علیه السلام) این نیست که مقام معنوی نداشته باشد، بلکه برای امام، مقامات معنوی هم هست که جدا از وظیفه حکومت است و آن، مقام خلافت کلی الهی است که گاهی در لسان ائمه (علیهم السلام) از آن یاد شده است. خلافت تکوینی است که به موجب آن جمیع ذرات در برابر ولی امر خاضع‌اند.^۳

۱. قاسم، شبان‌نیا، کارآمدی دین در نظام جمهوری اسلامی، ماهنامه معرفت، شماره ۱۲۴، ۱۳۹۱.

۲. مصطفی، جعفرپیشه فرد، همان کتاب، ص ۲۳.

۳. روح الله، موسوی خمینی، ولایت فقیه، چاپ سوم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۴۲.

۴-۲- ولایت تشریحی

ولایت تشریحی یا اعتباری، ولایتی است که فقط در حوزه موجودات مختار و دارای اراده مثل حوزه حیات انسانی یافت می‌شود. این نوع از ولایت یعنی حق تصرف و تدبیر در تشریح و قانون گذاری و دعوت و تربیت مردم و حکمرانی میان آنان و قضاوت و داوری در امورشان.^۱

ولایت فقیه از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتهای جز جعل ندارد؛ مانند قرار دادن قیم برای صغار. قیم ملت با قیم صغار از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد.

مثل اینکه امام (علیه السلام) کسی را برای حضانت، حکومت یا منصبی از مناصب تعیین کند.^۲ جامعه احتیاج به یک نقطه قدرتی دارد که در مسایل اجتماعی، این قدرت و حق را داشته باشد که حرف آخر را بزند. در آیه «الَّتِیْ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»^۳ خداوند این نقطه مرکزی قدرت را که در رأس هرم قدرت قرار دارد مشخص نموده است. بنابراین، ولایت فقیه به معنای قیمومیت بر مجانبین و سفها نیست بلکه حق تصرف و حق تشریح و قانون گذاری و تصمیم گیری و اجرایی است که در مورد اداره امور جامعه و مسایل اجتماعی، برای فقیه وجود دارد و از این نظر او بر دیگران مقدم است و از آنجا که حق و تکلیف با یکدیگر ملازم و هم آغوش اند، وقتی چنین حقی برای فقیه اثبات شود دیگران ملزم و مکلف به رعایت این حق و اطاعت از تصمیم‌ها و دستورات و قوانین او هستند.^۴

۱. مصطفی، جعفرپیشه فرد، همان کتاب، ص ۲۳.

۲. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، انقلاب ره توشه، چاپ اول، انتشارات سوره، ۱۳۷۷، ص ۴۴۲.

۳. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۶

۴. محمدتقی، مصباح یزدی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۷، ص ۹۸.

۵- مولفه‌های جریان حاکمیت ولایت فقیه

۵-۱- مشروعیت

در اصل هدایت و سرپرستی در نظام الهی متعلق به خداوند است که صاحب اختیار و مالک هستی بوده و حق هرگونه تصرف در هستی و انسان‌ها را دارد و هرگونه تصرفی در شئون آن‌ها باید با اجازه او انجام شود.^۱

خداوند بر پیغمبرش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و پس از او به دوازده جانشین معصوم او اذن تصرف در هستی را داده و مسئولیت سرپرستی و امامت تاریخی و اجتماعی را به آن‌ها سپرده است؛ چنانچه خداوند متعال فرموده است: «الَّذِينَ أُوَلِّىَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»^۲ و در همین مسیر، ولی فقیه با نصب پیامبر و امام معصوم (علیه السلام) در شئون اجتماعی تصرف می‌نماید.

فقهایی که واجد شرایط و صفات رهبری هستند فقط یکی از آن‌ها با دارا بودن مقبولیت و محبوبیت اجتماعی و به تشخیص خبرگان، امکان سرپرستی امور جامعه و اجتماع را پیدا می‌کنند.

در نتیجه، اولین شرط تحقق ولایت فقیه، نصب او از طرف خداوند، پیامبر و امام معصوم (علیهم السلام) است؛ اما این نصب به شکل شخصی نیست بلکه با بیان و شرایط خاص، فردی که دارای صلاحیت است، این مسند را عهده دار می‌شود.^۳

۱. علی اصغر، نصرتی، همان کتاب، ص ۲۶۳.

۲. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۶.

۳. علی اصغر، نصرتی، همان کتاب، ص ۲۶۵.

۵-۲- مقبولیت

دومین شرط تحقق نظام ولایت فقیه آن است که فقیه واجد شرایط و صلاحیت رهبری، مورد اعتماد و پذیرش مردم بوده باشد؛ البته این مقبولیت هرگز تأثیری در مشروعیت ندارد.

بنابراین؛ منع مشروعیت در نظام ولایت الهی، اراده و رضای خداوند و اولیا و برگزیدگان او (پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام)) است و حتی پذیرش مردمی، نه علت و نه جز علت مشروعیت آن به حساب می‌آید، یعنی این گونه نیست که چون جامعه از ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) رویگردان باشد، آن حضرت فاقد مشروعیت در رهبری جامعه می‌گردد و یا این که اگر دیگران به هر شکلی توانسته‌اند توجه عمومی را به خود جلب کرده و مقبول نظر آنان واقع شوند اجازه تصرف از جانب خداوند را پیدا نموده باشند. البته نباید نقش مردم و گرایش عمومی جامعه را در تحقق ولایت نادیده گرفت؛ بلکه یکی از دو پایه امکان تحقق بخشیدن به ولایت فقیه، مقبولیت عمومی است.^۱

۶- مفهوم ولایت مطلقه فقیه

مطلق بودن ولایت فقیه، بدین معناست که همه اختیاراتی که برای امام معصوم (علیه السلام) به عنوان ولیّ امر جامعه اسلامی ثابت است برای فقیه نیز ثابت است و هیچ حد و حصری ندارد مگر آن که دلیلی وجود داشته باشد. امام خمینی (رحمه الله علیه) فرمودند:

«ولایت فقیه همان ولایت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است.»^۲

۱. گزیده، علی اصغر، نصرتی، همان کتاب، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۲. محمدتقی، مصباح یزدی، همان کتاب، ص ۱۰۵.

ولایت مطلقه فقیه بدان معناست که دامنه اختیارات ولایت فقیه تنها در موارد ضروری و ناچاری نیست؛ بلکه مطلق است و زمانی که مسئله‌ای دارای توجیه عقلی و عقلایی است و به حد ناچاری هم نرسیده است را شامل می‌شود، البته نه بدان معنا که فقیه تنها بر اساس سلیقه و نظر شخصی خود عمل می‌کند و هیچ ملاکی را در نظر نمی‌گیرد و هوی و هوس و امیال شخصی او حکومت می‌کند؛ بلکه ولی فقیه مجری احکام اسلام است و مصالح جامعه اسلامی در پرتو اجرای احکام شرع مقدس اسلام تأمین می‌شود؛ بنابراین؛ روشن است که ملاک تصمیم‌ها و انتخاب‌ها و کلیه کارهای فقیه، احکام اسلام و تأمین مصالح جامعه اسلامی بر اساس رضایت خدای متعال است.^۱

مطلقه بودن ولایت فقیه محدود به حیظه اجرا است نه این که بتواند احکام اسلامی را تغییر دهد. هم‌چنین در حیظه اجرا هم مطلق بودن به این معنا نیست که بتواند هرگونه که خواست احکام را اجرا کند؛ بلکه اجرای احکام باید توسط روش‌ها و راهکارهایی که خود شارع مشخص نموده است، باشد. البته حاکم در اجرای احکام می‌تواند در راستای حفظ مصالح مسلمین و اسلام در مورد تراحم، اهم را بر مهم ترجیح دهد و بدین جهت است که او باید فقیه و آگاه به مسائل روز باشد. ولی فقیه ولایتش ادامه ولایت خدا و ائمه (علیهم السلام) بر مردم است و می‌تواند از اجرای هر امری، چه عبادی و چه غیر عبادی، که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، مادامی که چنین است، جلوگیری نماید.^۲

۱. گزیده، محمدتقی، مصباح یزدی، همان کتاب، ص ۱۰۵.

۲. احمد، واعظی، حکومت دینی، چاپ دوم، نشر مرصاد، قم، ۱۳۷۸، ص ۲۴۰.

یکی از شبهاتی که در این باره وجود دارد این است که ولایت مطلقه فقیه، همان حکومت استبدادی است یعنی فقیه وقتی به حکومت رسید هر کاری دلش خواست انجام می‌دهد و هر حکمی خواست می‌دهد؛ خلاصه اختیار مطلق دارد. می‌گویند حکومت دو نوع است: حکومت یا لیبرالی و بر اساس خواست مردم است یا فاشیستی و تابع رأی و نظر فرد است و با تبیینی که شما از ولایت فقیه دارید، نظام ولایت فقیه یک نظام لیبرالی نیست؛ پس طبعاً باید بپذیرید که یک نظام فاشیستی است.

در پاسخ این شبهه باید گفت تقسیم حکومت به دو قسم و انحصار آن به دو نوع لیبرال و فاشیست، یک مغالطه است و قسم سومی هم برای حکومت متصور است که حاکم نه بر اساس خواست و سلیقه مردم (حکومت لیبرالی) و نه بر اساس خواست و سلیقه شخصی خود (حکومت فاشیستی)، بلکه بر اساس خواست و اراده خدای متعال حکومت می‌کند، تابع قوانین و احکام الهی است و نظام ولایت فقیه از قسم سوم است.^۱

۷- تاریخچه بحث ولایت فقیه

تاریخچه ولایت فقیه به زمان حضور ائمه (علیهم السلام) باز می‌گردد، یعنی از آن زمان که برخی شاگردان برجسته ائمه (علیهم السلام) به وکالت و نمایندگی، در مناطق دوردست حضور یافته و به تبلیغ احکام، صدور فتوا، حل و فصل منازعات و اجرای حدود می‌پرداختند، چنان چه جناب مسلم بن عقیل در مأموریتی خاص، به عنوان نماینده سالار شهیدان عازم کوفه گردید تا زمینه را برای ورود آن حضرت به این شهر آماده نماید.^۲ هم‌چنین در زمان غیبت صغری برخی از عالمان بزرگ دین از طرف امام عصر

۱. گزیده، محمدتقی، مصباح یزدی، همان کتاب، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.

۲. علی اصغر، نصرتی، همان کتاب، ص ۲۲۷.

(علیهم السلام) سرپرستی امور شیعیان را بر عهده گرفتند و در طول نزدیک به هفتاد سال به طور کلی بر عهده چهار تن از نواب خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گرفت.

با آغاز غیبت کبری، فقها و عالمان دین، جایگاهی رفیع‌تر از قبل یافتند و به عنوان نواب عام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محل رجوع عموم شیعیان شدند. آن‌ها علاوه بر این که به سوالات پاسخ می‌گفتند، وجوہات را دریافت و در جایگاه خود صرف می‌کردند و در صورتی که امکان داشت به قضاوت و اجرای حدود می‌پرداختند تا شیعیان از روی ناچاری به طاغوت مراجعه نکنند و امور دین و دنیای خود را بر محور ولایت ائمه (علیهم السلام) و تبعیت از صراط مستقیم ایشان، سامان دهند.

بنابراین؛ ولایت فقیه از ابتدا در صحنه عمل و زندگی روزمره شیعیان مطرح بوده و یکی از عناصر فرهنگ دینی آنان به شمار آمده است؛ هر چند که همواره دامنه حاکمیت فقها، متأثر از شرایط خاص اجتماعی بوده و به تناسب سطح قدرت سیاسی شیعیان، سعه و ضیق یافته است.^۱

۸- عناصر و مولفه‌های کارآمدی نظام اسلامی

۸-۱- خدا محوری و وحی‌گرایی:

در چنین نظامی برخلاف نظام‌های انسان محور، اولاً: مردم به طور طبیعی گرد پرچم توحید منسجم، متحد و یکپارچه می‌گردند و فرمان خدا را از هر چیز دیگر برتر می‌دانند، ثانیاً: قوانین و مقررات

۱. برداشت، همان، صص ۲۲۷ و ۲۲۸.

برگفته شده از شرع از قداست برخوردارند و عمل به آن افزون بر آن که وظیفه قانونی و حقوقی است، صبغه عبادی نیز دارد؛ از این رو، رعایت قانون اسلام علاوه بر پاداش حقوقی و قانونی (موجود در سایر نظام‌ها) از ثواب و پاداش الهی نیز برخوردار است و نقض قانون مقررات نیز علاوه بر جریمه و کیفر حقوقی و قانونی عقاب اخروی دارد. بنابراین؛ انگیزه مردم برای انجام وظایف فردی، اجتماعی، سیاسی و... مضاعف است. ثانیاً: حرکت در چارچوب وحی یکی از موانع حاکمیت استبداد بر جامعه است و نقش بسیار زیادی در کارآمد سازی نظام اسلام دارد.

۸-۲- امامت و ولایت مداری

امامت، خلافت و جانشینی خدا و پیامبرش است و امام زمامدار دین و نظام بخش مسلمین است؛ اوست که دنیای مردم را آباد می‌کند و به مومنان عزت می‌بخشد. امام بنیان اساس دین و رشد دهنده و فزاینده شاخه‌های آن است و ثمرات دین به وسیله امام ظاهر می‌شود. امام آگاه به سیاست و شایسته زمامداری است اطاعت از او واجب است و او به پا دارنده امر خدا و دل‌سوز بندگان اوست.

نظام امامت و ولایت از سویی سبب می‌شود که عادل‌ترین، عالم‌ترین و صالح‌ترین افراد در راس حکومت قرار بگیرند و از این رهگذر، خطر استبداد و خود کامگی از میان خواهد رفت و از سوی دیگر، مردم با پذیرش چنین رهبر و ولایتی هم‌بسته تر، دل آسوده‌تر و امیدوارتر خواهند بود.^۱

در نظام ولایتی، حکومت و قدرت عین مسئولیت است و والی و حاکم جامعه اسلامی به اقتضای

ویژگی‌های لازم برای رهبری، مسئول‌ترین افراد است.^۲

۱. محمد علی، صنیعی منفرد، تثبیت در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵

۹- شاخصه‌ها و مکانیسم‌های کارآمدی ولایت فقیه در نظام اسلامی

۹-۱- قانون محوری

یکی از اهداف اساس که در نظام اسلامی مورد توجه بوده، محوریت قانون و رعایت آن است امری که جای گرفتن آن در ساختار سیاسی و توجه به آن از سوی کارگزاران، بی‌تردید کارآمدی نظام اسلامی را در پی خواهد داشت. قوانین و مقررات مناسب برای نظام اسلامی با عنایت به انعطاف پذیری احکام اسلامی و قابلیت تطابق آن با شرایط زمان و مکان، برگرفته از قرآن و سنت و شریعت الهی است. شاخصه کلی و اساسی که با عمل به آن، نظام اسلامی کارآمد خواهد شد و موانع پیش روی آن نیز از میان خواهد رفت به بیانی شاخص موثر در کارآمدی نظام اسلامی، قوانین اعتقادی و ارزش اسلام است.^۱

نقش ولایت فقیه در تبیین، توجیه، هدایت و گفتمان سازی قانون اساس و دیگر قوانین موضوعه کشور در مناسبت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی... نقش اساس و تعیین کننده بوده است. فرهنگ سازی از قانون اساسی به منزله سند میثاق ملی و مرجع و محور سیاسی و حقوقی کارآمدی، می‌تواند در گفتمان قانون گرایی و پای بندی آحاد جامعه به قانون اساس و ایجاد روح هم‌گرایی ملی و کارآمدی حکومت دینی نقش تعیین کننده داشته باشد.^۲

۱. فرج الله، قاسمی، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام خمینی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹

۲. رمضان، شعبانی سارویی، بازنمایی مدیریت راهبردی ولایت فقیه در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱، سایت www.modiyar.com

امام خمینی (رحمه الله عليه) بی هیچ تبعیض تمام افراد ومسئولان حکومتی را تابع قانون می- دانست و به طور کلی حکومت اسلامی را حکومت قانون می‌شمرد: در اسلام قانون است همه تابع قانونند وقانون هم قانون خداست قانونی که از روی عدالت الهی پیدا شده است. قانونی است که قرآن است، قرآن کریم است وسنت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) است. همه تابع او هستیم وهمه باید روی آن میزان عمل بکنیم فرقی مابین اشخاص نیست درقانون اسلام فرقی ما بین گروه‌ها نیست.^۱

۹-۲- شورا ومشارکت دینی:

امروزه مشارکت و هم‌یاری در زمینه‌های مختلف، از شاخصه‌ها ومکانیسم‌های کارآمدی و از اهداف نظام اسلامی به شمار می‌رود. این حق عمومی، بی‌گمان در راستای جلوگیری از استبداد حکومتی و به دست آوردن آزادی‌های مردمی است. لزوم مشورت با متخصصان وخبرگان جامعه وتکیه نکردن برنظر شخصی از سوی مسئولان، مدیران جامعه، از امور مورد تاکید قرآن است، تا آن‌جا که پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) در اداره امورعامه مسلمین مامور به مشاوره با مردم می‌شود. از این‌رو؛ پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) در امورعمومی مسلمانان جلسه مشاوره تشکیل می‌داد به ویژه برای رای افراد صاحب نظر ارزش خاصی قائل بود. اصولا مسئولانی که کارهای مهم خودرا بامشورت انجام می‌دهند وبا صاحب نظران به مشورت می‌نشینند کمتر دچار لغزش می‌شوند. قرآن کریم دراین زمینه می‌فرماید: ((وَالَّذِينَ

اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَاَمْرَهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ))^۲

۱. روح الله، موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۹، همان، ص ۴۲۵

۲. سوره شوری(۴۲)، آیه ۳۸

امام خمینی (رحمه الله عليه) همواره برتعهد و تخصص به عنوان دویال مهم برای کارمندان و کارگزاران دولت به منظور کارایی مفید و تحقق کارآمدی تاکید کرده است. ۱ امام (رحمه الله عليه) وهم- چنین مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... با کارشناسان و متخصصان در راستای کارآمدی و حل مشکلات نظام به مشورت می‌نشینند.

۹-۳- مسئولیت پذیری و نظارت

مسئولین و مدیران باید بر امور اجتماعی، سیاسی و... نظارت داشته باشند و با اجرای صحیح آن مسائل و مشکلات درون آن‌ها را حل کنند که با این نظارت و مسئولیت پذیری موجب کارآمدی نظام خواهد شد. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) از آغاز رهبری با اتکا به تجارب ارزشمند اجرایی، بصیرت و تیزبینی خاص خود با نظارت دقیق بر عملکرد دولت مردان و نظارت بر همه نظام‌های سیاسی، اجتماعی و... با نمایاندن نقاط قوت و ضعف، ارائه هشدارها، رهنمودهای گره‌گشا و راهکارهای اساسی و مهم، دولت را در جهت رفع کاستی‌های موجود و رسیدن به اهداف، و نظامی کارآمد در همه زمینه‌ها یاری و مدد رسانده است.^۲

۹-۴- برابری و عدم برتری انسان‌ها

نظام اسلامی در صورتی به کارآمدی خواهد رسید که هرگونه تبعیص مبتنی بر قوم، گروه، رنگ، قدرت، ثروت و نسب را از بین ببرد و مشکلات ناشی از این امور را مرتفع سازد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توسط امام خمینی (رحمه الله عليه) کسانی که زیر پرچم پرافتخار اسلام هستند فرقی بین نژاد، رنگ، قدرت، ثروت نمی‌کند و همه از حقی یکسان برخوردارند.

۱. روح الله، موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۹۲

۲. منصور، حاتمی راد، همان مقاله، ص ۳۰۱

۹-۵- عدالت جویی

این شاخصه مهم درمباحث کارآمدی جایگاه ویژه ای دارد. تا بدان پایه که قوام حقیقت حیات آدمی بران مبتنی است کثرت آیات درباره عدل نیز بیانگر منزلت این مفهوم درقرآن است. سوره الرحمن: ۱۰-۷، نساء: ۱۳۵، مائده: ۸، نحل: ۹، عدالت از مفاهیمی است که درمورد، توجه رهبران فکری و مسلمان اجتماعی است گواهی قرآن کریم فلسفه بعثت انبیاء، ارسال رسل، انزال کتب و تشریح قوانین مختلف ازسوی پروردگار، دراین راستا است وهمچنین ایجاد جامعه عادلانه درسرلوحه اهداف والای پیامبر قرارداشته است. ۱.

یکی از نکات بسیار مهمی که امام (رحمه الله علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از همان ابتدای حرکتشان مدنظر قرار دادند برقراری امنیت و رفاه و عدالت در جامعه بوده وهست به عبارت دیگر می توان گفت یکی از اهداف مبانی حکومت برای کارآمد بودن همین نکته است. امام (رحمه الله علیه) معتقد بودند که باید عدالت اسلامی اجرا شود تا همه به استقلال و رفاه برسند. ۲.

۹-۶- وحدت گرایی

بی تردید وحدت در تمامی ابعاد اعم از وحدت بین مردم، وحدت بین مردم ومسئولان ووحدت بین مسئولان بایکدیگر، شرط لازم وازشاخصه های اساس کارآمدی است؛ آن گونه که عدم رعایت آن نظام اسلامی رابه سمت ناکارآمدی سوق خواهد داد.

۱. فرج الله ، قاسمی، همان

۲. رمضان، شعبانی سارویی، همان

با وجود طبیعی بودن اختلافات در جوامع بشری، تاکید بروحدت وهم‌گرایی در راستای کارآمدی حکومت، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تاریخ همواره مردان بزرگی را به خود دیده که پرچم دار وحدت بوده‌اند. حضرت امام (رحمه الله علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از جمله کسانی هستند که به این عنصر اساسی تاکید بسیار داشته و دارند و آن را در جامعه پیاده کردند. جایگاه ولایت فقیه در جلوگیری از گسست و ترغیب به وحدت وهم‌گرایی و کنار گذاشتن منازعات و مخاصمات، حساس و سرنوشت ساز است.^۱

۱۰- میزان درسنجش کارآمدی نظام

۱۰-۱- امکانات طبیعی ومادی:

مراد از امکانات مادی، همه مولفه‌ها وعناصری است که به طور طبیعی در اختیار یک نظام قرار دارد. منابع طبیعی، موقعیت جغرافیای سیاسی، وضعیت آب وهوایی، خاک، زمین، منابع آبی، منابع زیرزمینی و رو زمینی، ضریب هوشی واستعداد طبیعی، ونظایر آن.

۱۰-۲- امکانات غیرمادی:

برای آن‌که یک نظام کارآمد باشد، افرادی برامکانات، مادی ونبودن موانع، به مجموعه‌ای از امکانات غیر مادی نیاز است. امکانات غیرمادی؛ امکانات گسترده‌ای است که برخی از اهم آن‌ها عبارتند از: مبانی اندیشه‌ای (جهان بینی ونظام ارزشی)، مشروعیت، مجموعه قوانین ومقررات صحیح ومناسب،

۱. فرج الله، قاسمی، همان

نیروی انسانی متعهد و متخصص، بستر مناسب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی داخلی و خارجی و...

۱۱- انواع موانع کارآمدی نظام

۱۱-۱- داخلی

کمبود یا فقدان هریک از امکانات مادی و غیرمادی می‌تواند مانعی برسر راه تحقق اهداف یک نظام و در نتیجه ناکارآمدی کردن نظام گردد. البته، نباید فراموش کرد که این ناکارآمدی به معنای کلی نیست. بلکه؛ درحقیقت مربوط به بخشی از اجزاء کارآمدی است. وقتی ما نتوانیم با ایجاد یک تیم اقتصادی متشکل از کارشناسان تراز اول اقتصاد توسعه (البته از نوع همه جانبه آن) براساس اصول علمی و با در نظر گرفتن مقتضیات بومی نسبت به زنجیره‌ای کردن تولید اقدام نماییم و تفکر تولیدگرایی را در این شرایط نادیده بگیریم به طور قطع دربخش اقتصادی دچار مشکل عدم کارآمدی قیلی مبتلا خواهیم شد و نخواهیم توانست مشکل بی‌کاری و ایجاد فرصت‌های شغلی رافراهم سازیم. باید تفکر حاکم تجاری وارداتی را با تولیدگرایی پیوند بزنیم تا بتوانیم کارآمدی نظام را در بعد اقتصادی افزایش دهیم و این مهم نیازمند تخصص و تعهد و داشتن قدرت عکس العمل سریع نسبت به تحولات و شجاعت درمدیران اقتصادی است و درکنار این ویژگی‌ها مدیریت کلان باید قدرت بسیج عمومی جامعه و حرکت جامعه به سمت توسعه را از راه تولید کردن کشور درچارچوب عدالت اجتماعی داشته باشد.

۱. مصطفی، فتحعلی خانی، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، امکانات و موانع، فصلنامه صبح شماره ۱۱، ۱۳۸۹.

۱۱-۲- موانع خارجی

در همه ابعاد و بخش‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی به دلیل پافشاری بر استقلال موانع زیادی را بر سر راه داشته و داریم و نباید نقش آن‌ها را در نرسیدن به کارآمدی کامل نادیده گرفت. آیا امروز موضع گیری غرب در خصوص فناوری هسته‌ای ما به عنوان یکی از امکانات اساسی و ضروری توسعه و کارآمدی کشور مانع بزرگ و ظالمانه‌ای در به چاش کشیدن کارآمدی نظام نیست؟

دوره جدید مدیریت متوجه و یادآوری است برای رسیدن به کارآمدی نظام و ایجاد نظامی کارآمد. نقش نظارت در کارآمدی نظام تقویت ارکان مهم مدیریت، نقش اساسی در افزایش کارآمدی نظام دارد. یکی از مهم‌ترین رکن‌هایی که در این خصوص می‌توان به آن اشاره کرد بعد نظارتی دولت است. دولت هر قدر در این زمینه و در چارچوب قانونی رعایت حدود نظارت، موفق عمل کند و از ابزار پیشرفته و روش‌های نوین بهره‌مند گردد در بعد کارآمدی نظام موفق خواهد بود.

یکی از ابزار پیشرفته و روش‌های نوین در جهت تقویت بازدهی رکن نظارتی دولت استفاده از فناوری اطلاعات برای کنترل کار و گزارش‌گیری دقیق اقدامات و خدمات انجام شده و کارهای ناتمام است در اولین گام برای استفاده مناسب و فراگیر از این ابزار نیاز به نهادینه کردن فرهنگ بهره‌برداری آن در نهادها و سازمان‌های دولتی به صورت الزام فراگیر می‌باشد که طی چند سال گذشته دولت تا حدودی نه چندان رضایت بخش در این زمینه اقدام نموده است. اما؛ برای دولت با شعار اصلی خدمت به بندگان خدا و حرکت به سمت کارآمدی کامل این مقدار استفاده از ابزار فناوری و اطلاعات کافی نیست و نیازمند توجه همه جانبه و گسترده‌تری است. اگر بتوان در این زمینه یعنی توجه درست و همه جانبه به ابزار فناوری و اطلاعات به حد مطلوبی رسید نظام برنامه‌ریزی که سرفصل اصلی کارآمدی نظام تلقی می‌شود در جهت کارآمدی کامل با برخورداری از معیارهای دقیق‌تر علمی و تخصص دگرگون خواهد شد و همه

اجزای کارآمدی متاثر از این شیوه نوین درجهت مثبت، رشد قابل توجهی خواهند داشت.^۱

۱. مجتبی، قائم مهری، مدیریت، روزنامه همشهری، ۱۳۸۴

بخش دوم

وظایف ولایت فقیه در نظام اسلامی

فصل اول:

وظیفه نظام در سطح توسعه نظام اسلامی

۱- توسعه تمدن اسلامی

رهبری در تداوم نهضت و راه پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، هدف عالی خود را ابلاغ و گسترش دین خدا و رساندن پیام آن به همه بشریت قرار می‌دهد و آنان را دعوت به خیر و صلاح و سعادت می‌کند، برای همه بشریت دل می‌سوزاند و خواهان رستگاری و هدایت تمامی انسان‌ها است. همان طور که سرپرستی و امامت اجتماعی بعد از رسول خدا و ائمه اطهار (علیهم السلام) تعطیل شدنی نبود، ولایت فقیه نیز ادامه بخش همان جریان است، همگانی بودن دعوت عام اسلام از همه انسان‌ها به گام برداشتن در صراط مستقیم الهی نیز هم‌چنان باقی است.^۱

هیچ مکتب مدعی تکامل انسانی، نمی‌تواند خود را به محدوده جغرافیایی خاص، محدود نماید و اسلام نیز به عنوان کامل‌ترین و مترقی‌ترین دین مدعی تکامل، نسخه هدایت همه بشریت است. همان طور که مرز جغرافیایی مجوز پیروی از تعدد مکتب و مرام حقیقی نمی‌باشد، تعدد ولی اجتماعی در عصر غیبت نیز هماهنگ کننده اختیارات مردم و نظام اسلامی در مقابله با کفر و اعتلای کلمه توحید نمی‌باشد. هر چند ممکن است در عمل این مرزهای جعلی و جغرافیایی موانعی را برای اعمال چنین حاکمیتی ایجاد نمایند. اما صرف نظر از موانع آن و صرف وجود مرز جغرافیایی، تنوع نژادی و ملی، توجیه‌گر تنوع امت اسلامی نیست، حتی به همین دلیل، ولایت ولی فقیه بر کافر غیر محاربی که قوانین جامعه

۱. علی اصغر، نصرتی، همان کتاب، ص ۳۰۶.

اسلامی را پذیرفته است، جاری می‌باشد. با وجود چنین حاکمیتی، رهبری امت اسلامی می‌تواند برای تحقق تکامل و سعادت همه بشریت با بهره‌گیری از تمام توان، حتی پیروان سایر ادیان توحیدی اقدام نماید. از این رو، یکی از وظایف اساسی ولی امر مسلمین، گسترش دین و توسعه دامنه عبودیت الهی و دعوت بشریت به تسلیم در برابر دین خداوند و رویگردانی از آداب، سنن و شیوه‌های غلط و گمراه کننده است.^۱

۲- دفاع از هویت و منافع امت اسلامی

بدون تردید نقش رهبری در سال‌های اخیر در صحنه جهانی دفاع از هویت و منافع امت اسلامی و تقویت و هدایت جهت‌گیری‌های اصولی و موثر در برابر چالش‌ها، دشمنی‌ها و آسیب‌های تهدید کننده، نقش موفقی بوده که اهداف نظام جمهوری اسلامی را به طور نسبی محقق ساخته است.^۲

مواردی از قبیل التزام به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) تأکید بر وحدت ملی و اسلامی و اقدام عملی برای ترویج و تحقق آن، ارائه راهکار عملی برای افزایش نقش سیاسی جهان اسلام در عرصه رقابت‌های بین‌المللی قدرت، ایستادگی در برابر قدرت‌های استکباری مبارزه با اسرائیل، تعهد عملی به دین، حفظ مردمی بودن حکومت و ... نمونه‌های آشکاری از احساس وظیفه رهبری ولایی برای دفاع از هویت و منافع امت اسلامی است.^۳

۱. برداشت، علی اصغر، نصرتی، همان کتاب، ص ۳۰۶ و ۳۱۵.

۲. علی، ذوعلم، تجربه کارآمدی حکومت ولایی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷.

۳. برداشت، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نسل کوثر، چاپ اول، انتشارات باقوت، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵ تا ۱۳۸.

با توجه به شیطنتها و خباثت‌های دولت‌های دست‌نشانده و وابسته حاکم بر کشورهای اسلامی و نیز گروه‌ها و جریان‌های فکری و سیاسی منحرف که بر سد راه توفیق این اقدامات، موانع جدیدی ایجاد می‌کنند و کارشکنی‌ها و بی‌توجهی‌هایی که گاه در بخش‌های اجرایی در این موارد به چشم می‌خورد، نتایج این اقدامات، به طور نسبی تا حدود زیادی موفق بوده است. برخی از این اقدامات نتایج کاملاً موفق‌تری داشته است که قابل انکار نیست. به عنوان نمونه حمایت از مبارزات آزادی بخش حزب الله لبنان در برابر تجاوز رژیم صهیونیستی، بنا به اذعان و اعلام صریح دبیرکل آن نقش موثری در آزادسازی بخش‌های عمده‌ای از سرزمین لبنان و شکست نیروهای متجاوز صهیونیستی داشت.^۱

این توفیقات تأثیر بسزایی بر نفوذ بین‌المللی جمهوری اسلامی و ارتقاء جایگاه و نقش جهانی آن که نشانه نفوذ معنوی ایران در میان امت اسلامی است، دارد. اگر چه در همه این موارد، نقش سایر دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی و دولتی نباید نادیده گرفته شود ولی، بدون همت و هدایت رهبری ولایی، به طور قطع این توفیق برای نظام جمهوری اسلامی حاصل نمی‌شد.^۲

۳- دفاع از قدرت اسلام و از میان بردن فتنه‌ها

وظیفه دیگر ولی فقیه، دفاع از قدرت اسلام در مقابل هجوم دشمنان اسلام و نظام اسلامی است. زیرا؛ هر نظامی برای تداوم بقای خود به دنبال رشد و گسترش حوزه اقتدار خویش می‌باشد این توسعه طلبی، محدود به حد خاص یا مرز معین نیست؛ بلکه تا آن‌جا که قدرت و امکانات اجازه دهد موانع را از

۱. علی، ذوعلم، همان کتاب، ص ۱۶۸.

۲. برداشت، علی، ذوعلم، همان کتاب، ص ۱۶۹.

سر راه برداشته، بر محدوده حاکمیت خود می‌افزاید.^۱ همان طور که نظام الهی حاکمیت حق و زمینه رشد و هدایت را برای همه انسان‌ها در همه جا می‌خواهد فراهم سازد در مقابل، کفر و شرک نیز می‌خواهد حاکمیت خود را گسترش و نفوذ دهد تا به ارتباطات در جهان وسعت بخشد و مکتب ماده پرستی خود را گسترش و ارتقاء دهد، در این راه نیز به هیچ حد و مرزی راضی نمی‌شود و تا نابودی و حذف کلیه موانع، به تهاجم خود ادامه می‌دهد.^۲

در چند دهه پیش سران استکبار در آرزوی رسیدن به دنیایی بوده و هستند که از محدودیت‌های منطقه‌ای خبری نبوده تا تحت یک نظم نوین جهانی یکپارچه اداره شود و اگر به تأسیس سازمان‌های بین المللی به عنوان اهرم‌های تثبیت منافع خود و مشروعیت بخشیدن به چپاول و غارت جهان محروم، مبادرت می‌ورزند، تمام این‌ها را لازمه حیات و تداوم بقای خویش می‌دانند و در این مسیر از هیچ عملی خودداری نمی‌کنند. از به راه انداختن شورش و کودتای داخلی گرفته تا تحمیل جنگ ویرانگر خارجی، محاصره اقتصادی و نظامی، ترور شخصیت و خلاصه از تمسک به هیچ وسیله‌ای برای نفی هرگونه خداپرستی در روی زمین، پرهیز نمی‌کنند.^۳

خداوند متعال در قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

«وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا»^۴

«اگر خداوند فتنه بعضی مردم را به وسیله برخی دیگر از مردم دفع نمی‌کرد، بدون شک پرستش گاه‌ها و کلیساها و نماز و مساجدی که در آن‌ها یاد خدا بسیار باشد، به تعطیلی کشیده می‌شد.»

۱. علی اصغر، نصرتی، همان کتاب، ص ۳۰۶.

۲. برداشت، علی اصغر، نصرتی، همان کتاب، ص ۳۰۷.

۳. برداشت، علی اصغر، نصرتی، همان کتاب، ص ۳۰۷.

۴. سوره حج (۲۲)، آیه ۴۰.

اعلان مواضع نسبت به لزوم گسترش اسلام و فرهنگ انقلابی در جهان، ضرورت مقابله با توطئه و تهاجم استکبار، خاص شخصیت امام خمینی (رحمه الله علیه) نیست؛ بلکه از وظایف منصب ولایت فقیه است. بنابراین؛ رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز موضع گیری مشابهی در قبال توسعه اسلام و دفاع از انقلاب اسلامی دارند. ایشان در زمینه پایان ناپذیری در دشمنی استکبار با اسلام و انقلاب فرموده‌اند:

«استکبار جهانی نسبت به اسلام و انقلاب از اعماق وجود کینه دارد و تا ملتی از اصول دین

خویش دست بردارد و تسلیم نشود، آن‌ها راضی نخواهند شد.»

خداوند متعال به مسلمانان فرمود:

«لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»^۱ بنابراین؛ کینه استکبار به خاطر اعتقادات و استقلال

خواهی و شعار «نه شرقی و نه غربی» و پایبندی عمیق مردم ما به اسلام است. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

«کینه استکبار تمام شدنی نیست.»

ایشان ایستادگی نظام اسلامی در مقابل استکبار را به روشنی بیان داشته و فرموده‌اند:

«این نظام یکی از بزرگ‌ترین خاصیت‌هایش، مقابله با استکبار و گسترش قدرت‌های مستکبر عالم

است. نظام اسلامی در مقابل زورگویی هیچ قدرتی یک لحظه کوتاه نخواهد آمد.»^۲

۱. سوره بقره (۱)، آیه ۱۲۰.

۲. علی، خامنه‌ای، حدیث ولایت، جلد ۱، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۳۲.

فصل دوم:

وظیفه ولی فقیه در چارچوب دولت اسلامی

۱- کنترل و نظارت در قوای سه گانه

۱-۱- نظارت در قوه مقننه

از جهت این که رهبر در نظام جمهوری اسلامی ایران در رأس قوای سه گانه قرار دارد، قطعاً نظارت و دخالتی هم در کار قوای سه گانه خواهد داشت. این نظارت و کنترل بر طرق مختلف به مرحله اجرا در می‌آید. در قوه مقننه رهبری از طریق فقهای شورای نگهبان که مستقیماً از طرف وی منصوب می‌شوند، بر کار قوه مقننه نظارت دارد و نظارت از طریق زیر اجرا می‌شود.^۱

الف) نظارت بر انتخابات

طبق اصل ۹۹ قانون اساسی شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارد. این نظارت در تمامی مراحل، نظارت استصوابی و عام است. در انتخابات مجلس شورای نگهبان در دو مرحله اقدام می‌کنند:

مرحله اول در ثبت نام داوطلبان نمایندگی است که باید صلاحیت آن‌ها از طریق شورای نگهبان به تأیید برسد. مرحله دوم در صحت انتخابات است؛ بدین صورت که با اتمام انتخابات، صحت آن باید از طریق شورای نگهبان تأیید شود و اگر شورای نگهبان، صحت انتخاباتی را تأیید نکند، آن انتخابات خود به خود باطل و کان لم یکن تلقی شده و از مشروعیت لازم برخوردار نیست. پس رهبری به طور غیر مستقیم هم در صلاحیت نمایندگان و هم در صحت انتخابات نظارت کامل دارد.^۲

۱. مصطفی، ناصحی، همان کتاب، ص ۱۹۹.

۲. محمد، هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، چاپ ۲۱، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۹، ص ۷۶.

ب) نظارت بر قوانین منصوب در مجلس شورای اسلامی

طبق قانون اساسی، مرجع وضع قوانین عادی مجلس شورای اسلامی است و قانون باید از کانال مجلس به تصویب برسد، اما تنها تصویب قانون نمی‌تواند کارساز باشد، بلکه طبق اصل ۴ قانون اساسی که مقرر می‌دارد:

«کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.»

این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است و نشانگر آن است که مشروعیت قوانین از طریق فقهای شورای نگهبان است و فقها نیز منصوب از جانب رهبری هستند.

البته در مغایرت قوانین با قانون اساسی تمامی اعضای شورای نگهبان دخیل‌اند. نتیجه این که می‌توان گفت: تمامی اعضای شورای نگهبان در ارتباط با رهبری هستند، به جهت این که فقها به طور مستقیم از طریق رهبری منصوب می‌شوند ولی حقوقدانان شورای نگهبان از طریق رئیس قوه قضائیه که خود منصوب از طرف رهبر است به مجلس معرفی می‌شوند و مجلس آن‌ها را انتخاب می‌کند، پس از این جهت می‌توان گفت که حقوقدانان همه مرتبط با رهبری هستند.^۱

۱-۲- نظارت در قوه مجریه

طبق اصل ۶۰ قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران، نظارت بر قوه مجریه از طریق رهبری، رئیس جمهور و وزراء اعمال می‌گردد و این قوه در ایران به دو بخش اجرایی و نظامی تقسیم می‌شود.

۱. مصطفی، ناصحی، همان کتاب، ص ۲۰۰.

الف) قسمت اجرایی

در قسمت اجرایی، ریاست قوه مجریه با رئیس جمهور است و نظارت رهبری در این قسمت از طریق زیر اعمال می‌گردد:

۱- تشخیص و تعیین صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری:

شورای نگهبان مأمور تشخیص صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری است و این خود به نحوی دخالت و نظارت رهبری را می‌رساند.^۱

۲- نصب رئیس جمهور به وسیله امضای حکم:

طبق بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، امضای حکم ریاست جمهوری، پس از انتخاب مردم با مقام رهبری است. مسئله‌ای که در اینجا قابل ذکر است، این است که آیا این امضا تشریفاتی است یا تنفیذی؟ عده‌ای معتقدند که این امضا تشریفاتی است، به علت این که رئیس جمهور از طریق قانونی، با انتخاب مردم و نظارت شورای نگهبان که بخشی از اعضای آن به طور مستقیم از طرف رهبر منصوب می‌شوند، بر صلاحیت نامزدها و تأیید انتخابات، انتخاب شده است و این امضا فقط جنبه ظاهری دارد.

اما عده‌ای معتقدند که این امضا تنفیذی است و مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی، حکایت از تنفیذی بودن امضا دارد و مؤید این مطلب، ماده یک قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۶۴ است که مقرر می‌دارد: «دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران چهار سال است و از تاریخ تنفیذ اعتبارنامه به وسیله مقام رهبری آغاز می‌گردد».^۲

۱. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نسل کوثر، همان، ص ۵۵.

۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، ۱۳۶۹، ص ۱۱۸۹.

۳- برکناری رئیس جمهور:

طبق بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی با رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم با مقام رهبری است.»^۱

بنابراین؛ از قانون اساسی چنین فهمیده می‌شود که رئیس جمهور را رهبر مستقیماً عزل نمی‌کند بلکه پیشنهاد عزل و برکناری به رهبری داده می‌شود و این پیشنهاد از دو طریق است: یکی از طریق مجلس شورای اسلامی است که مجلس می‌تواند با استیضاح رئیس جمهور، با اکثریت دوسوم آرای کل نمایندگان به عدم کفایت وی رأی دهد و دیگری از طریق دیوان عالی کشور است که حکم به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی می‌دهد و پیشنهاد عزل او را از رهبری می‌خواهد و ایشان می‌تواند با در نظر گرفتن مصالح کشور، اقدام به عزل رئیس جمهور کند و اگر مصالح کشور اقتضای برکناری را ندارد، رهبر می‌تواند رئیس جمهور را عزل نکند.^۲

ب) قسمت نظامی

فرماندهی کل نیروهای مسلح:

یکی از دخالت‌های رهبری در قوه مجریه از طریق فرماندهی کل نیروهای مسلح طبق بند ۴ اصل ۱۱۰ می‌باشد که رهبر، خود فرمانده کل نیروهای مسلح است و این فرماندهی از طریق زیر در نیروهای مسلح دخالت دارد:

۱. مصطفی، ناصحی، همان کتاب، ص ۱۰۲.

۲. برداشت، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نسل کوثر، همان، ص ۵۵.

۱- نصب و عزل و قبول استعفای فرماندهان عالی رتبه نیروهای مسلح: طبق بند ۶ اصل ۱۱۰، نصب و عزل رئیس ستاد مشترک ارتش، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی یا مقام رهبری است. همچنین نصب و عزل رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح هم با رهبری است.^۱

۲- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها: لزوم حفظ استقلال کشور و تمامیت ارضی در مقابل تهدیدات خارجی، احتمال درگیری‌های مرزی و وقوع جنگ را همواره به همراه دارد. طبق بند ۵ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، حق و تکلیف اعلان جنگ و صلح بر عهده مقام رهبری است.^۲

۳- دخالت از طریق شورای عالی امنیت ملی: طبق اصل ۱۷۶ قانون اساسی، رهبری از طریق شورای عالی امنیت ملی بر امور اجرایی کشور نظارت و دخالت دارد و آن تعیین سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری است. همچنین دو نماینده از طرف رهبر در شورای عالی امنیت ملی عضویت دارند. علاوه بر این‌ها، مصوبات شورا هم پس از تأیید مقام معظم رهبری قابل اجرا است.^۳

۱-۳- نظارت در قوه قضائیه

در عرصه امور قضایی، اولاً جایگاه شرعی قضات و لزوم منصوب بودن مستقیم یا غیر مستقیم از طرف حاکم شرع و ولی فقیه، ثانیاً تأمین استقلال واقعی قوه قضائیه در کنار دو قوه مقننه و مجریه، وظایف خاصی در این عرصه برای رهبری ایجاب می‌کند.^۴ یکی از وظایف ایشان طبق بند ۶ اصل ۱۱۰،

۱. محمد، هاشمی، همان کتاب، ص ۷۷.

۲. برداشت، همان، ص ۷۷.

۳. مصطفی، ناصحی، همان کتاب، ص ۲۰۳.

۴. علی، ذوعلم، همان کتاب، ص ۶۹.

نصب و عزل عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است. همچنین طبق اصل ۱۵۷ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه به شرح زیر است:

الف) نصب و عزل رئیس قوه قضائیه:

طبق بند ۶ (ب) اصل ۱۱۰، نصب و عزل و قبول استعفای عالی‌ترین مقام قوه قضائیه با رهبری است.^۱ استاد عمید زنجانی در این زمینه می‌نویسد:

«مقام رهبری با نصب رئیس قوه قضائیه به صورتی منطقی و عادلانه و به دور از هر نوع مداخله در نفس قضاوت و اعمال فشار یا ایجاد جو و شرایط غیر عادی، حضور خود را در دستگاه قضایی به منظور نظارت و هدایت آن، اعلام می‌کند و سه شرط عمده که در نصب بازوی رهبری در دستگاه قضایی به دقت ملاحظه و مراعات می‌شود (مجتهد، عادل، آگاه به امور قضایی) مانع از آن است که حضور این عامل کنترل‌کننده در جهت تأمین عدالت قضایی به اهرم فشار و قدرت تبدیل گردد ... مقام قضاوت از مناصب و مسئولیت‌های حکومتی است و بدون نظارت ولی امر، هیچ دادگاهی اعتبار شرعی نخواهد داشت. حفظ نظم و مصالح عامه ایجاب می‌کند هر فقیه عادل که بخواهد قضاوت کند باید از طریق دستگاه قضایی کشور انجام وظیفه نماید.»^۲

۱. محمد، هاشمی، همان کتاب، ص ۸۱.

۲. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، جزوه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۵، ص ۷۵.

ب) عفو یا تخفیف مجازات محکومین:

طبق بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است.^۱

۲- نظارت و دخالت در نهادهای خاص

۲-۱- رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام:

مجمع تشخیص مصلحت نظام از نهادهای تأسیس شده از سوی امام خمینی (رحمه الله علیه) در ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ می‌باشد و در بازنگری قانون اساسی به جمع نهادهای قانونی کشور پیوست و قبل از آن جایگاه قانونی مشخص نداشت.^۲ ابتکار این طرح از سوی امام خمینی (رحمه الله علیه) بدان جهت بود که گاهی بین مجلس و شورای نگهبان اختلاف نظر پیش می‌آمد که این اختلاف به سادگی قابل حل نبود و باعث کندی و اختلال در امور نظام را فراهم می‌ساخت و اولین بازتاب سازنده برای حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان موضوع احکام اولیه و ثانویه بود که نزد امام خمینی (رحمه الله علیه) مطرح گردید. در سال ۱۳۶۰ ریاست مجلس شورای اسلامی وقت، در خصوص اراضی شهری با ذکر این که بعضی از قوانین مصوب به لحاظ تنظیمات کل امور و ضرورت حفظ مصالح یا دفع مفاسدی است که بر حسب احکام ثانویه به طور موقت باید اجرا گردد، از مقام رهبری کسب تکلیف کرد.^۳ پاسخ امام خمینی (رحمه الله علیه) در مورخ ۱۳۶۰/۷/۱۹ چنین بود:

۱. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نسل کوثر، همان، ص ۵۷.

۲. مصطفی، ناصحی، همان کتاب، ص ۲۰۵.

۳. محمد، هاشمی، همان کتاب، ص ۵۴۹.

«آنچه در حفظ جمهوری اسلامی ایران دخالت دارد که فعل و ترک فعل آن موجب اختلال می‌شود پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت دو سوم وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقتی بودن آن مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو شود.»^۱

به هر حال، مجمع تشخیص مصلحت نظام در بازنگری قانون اساسی، در اصل ۱۱۲ گنجانده شده و اعضای ثابت و متغیر آن را مقام رهبری انتخاب می‌کند و این مجمع وظیفه حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان و مشاوره رهبری را بر عهده دارد. در اینجا سوالی مطرح شده که آیا مجمع حق وضع قوانین را دارد یا نه؟

آنچه به نظر می‌رسد این است که مجمع حق وضع قوانین را ندارد و طبق قانون، مرجع وضع قوانین فقط مجلس شورای اسلامی است و وظیفه مجمع تشخیص مصلحت در اصل ۱۱۲ قانون اساسی کاملاً مشخص شده است، چنان که در بند ۶ فرمان ۱۳۶۸/۲/۴ امام خمینی (رحمه الله علیه) به رئیس جمهور وقت، در مورد تشکیل شورای بازنگری به روشنی آمده است: «مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد.» بنابراین؛ مجمع تشخیص مصلحت نظام، زیر مجموعه نهاد رهبری بوده و به عنوان مشاور و بازوی رهبری انجام وظیفه می‌کند.^۲

۱. روح الله، موسوی خمینی، صحیفه امام، جلد ۱۵، همان، ص ۱۸۸.

۲. مصطفی، ناصحی، همان کتاب، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.

۲-۲- رهبری و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

یکی از موارد دخالت مستقیم رهبری در نهادهای خاص حکومتی، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است که رئیس سازمان صدا و سیما، مستقیم از طرف مقام رهبری منصوب می‌شود. طبق بند ۶ (ج) اصل ۱۱۰ قانون اساسی، نصب و عزل و قبول استعفای رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است. این راهکار بدین جهت بود که به دلیل اهمیت صدا و سیما، اگر قرار بود این سازمان در اختیار یکی از قوای سه گانه کشور قرار بگیرد عملاً با تفکیک قوا منافات داشت و ماهیت کار سازمان صدا و سیما به نحوی است که تمام ارکان حکومتی و آحاد گروه‌های مردمی را تحت پوشش دارد به ترتیبی که نمی‌توان آن را کاملاً متناسب به یکی از قوای سه گانه دانست؛ بلکه تشکیلاتی مستقل و متمایز را به ذهن متبادر می‌سازد تا آن‌جا که، آن را به رکن و قوه چهارم نظام تعبیر کرده‌اند.^۱

در این زمینه از مشروح مذاکرات بازنگری قانون اساسی ۱۳۶۸ می‌توان چنین استنباط کرد که سازمان صداوسیما به عنوان یک قوه یا نهاد مستقل باید باشد که به نمونه ایی از آن اشاره می‌شود:

سیدحسین طاهری خرم آبادی می‌گوید:

«... صداوسیما یک مرکزی است که در دست یک جناح و گروه خاصی نباید قرار بگیرد و آن مقامی که همیشه مقام جمع‌الجمعی را دارد و همه نیروها و همه قوا و همه ارگان‌ها و نظام تحت نظر او است، مقام رهبری است. اگر صداوسیما تحت نظر مقام رهبری اداره شود این قهراً دیگر اختصاص به یک جناح و دسته خاصی پیدا نمی‌کند و خیلی از مشکلاتی که ممکن است پیش بیاید بر اثر این که مثلاً انتصاب پیدا بکند تحت نفوذ یک گروه خاص قرار بگیرد، این‌ها خواه ناخواه پیش نمی‌آید...»^۲

۱. محمد، هاشمی، همان کتاب، ص ۵۲۹.

۲. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان، ص ۵۵۹.

بنابراین؛ به دلیل نقش حساسی که این سازمان در تربیت و هدایت جامعه دارد و از آن‌جا که هدایت و تربیت جامعه از وظایف اولیه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) بوده است، ولی فقیه نیز به عنوان جانشین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر غیبت عهده دار چنین وظیفه‌ای است. سازمان صداوسیما مستقیماً زیر نظر رهبر اداره شده عزل و نصب و قبول استعفای رئیس آن و تعیین خط مشی کلی حاکم بر برنامه‌های این سازمان بر عهده ایشان می‌باشد.^۱

۲-۳- رهبری و بازنگری قانون اساسی

فصل چهاردهم قانون اساسی که مشتمل بر یک اصل (یعنی اصل ۱۷۷) می‌باشد، درباره بازنگری قانون اساسی است که جزء اختیارات رهبری است که با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام، فرمان بازنگری در قانون اساسی را صادر می‌کند.^۲

مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، طی حکمی خطاب به رئیس جمهور مورد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی به ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید:

۱. اعضای شورای نگهبان؛
۲. رؤسای قوای سه گانه؛
۳. اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
۴. پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری؛

۱. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نسل کوثر، همان، ص ۵۷.

۲. محمد، هاشمی، همان کتاب، ص ۵۲۹.

۵. ده نفر به انتخاب مقام رهبری؛

۶. سه نفر از هیأت وزیران؛

۷. سه نفر از قوه قضائیه؛

۸. ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛

۹. سه نفر از دانشگاهیان.

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه پرسى برسد.^۱

رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه پرسى بازنگری قانون اساسی لازم نیست. محتوای اصل مربوط به اسلامی بودن نظام و کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آرای عمومی دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.

تدوین قانون اساسی در ابتدای پیروزی انقلاب و تجربه ده ساله کشورداری، ضرورت بازنگری در قانون اساسی را ایجاب می‌کرد و نیاز به رفع مشکلاتی را داشت، به همین دلیل؛ امام خمینی (رحمه الله علیه) در فرمان ۱۳۶۸/۲/۴ خود خطاب به رئیس جمهور وقت، دستور بازنگری در قانون اساسی را در موارد مشخص شده صادر فرمودند و در قانون اساسی ۵۸ چنین نهادی پیش بینی نشده بود. بنابراین؛ امام (رحمه الله علیه) از اختیارات حکومتی خود استفاده کرده و دستور تشکیل چنین شورایی را صادر

۱. برداشت، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نسل کوثر، همان، ص ۵۸.

فرمودند. البته در بند ۷ فرمان امام که مربوط به بازنگری قانون اساسی بود، می‌توان استنباط کرد که تمامی امور کشور باید از مجرای قانونی خود طی شود. از این رو؛ اعضا بازنگری اصل ۱۷۷ را به عنوان یک اصل مستقل در فصل جداگانه به تصویب رساندند. به هر حال، مقام رهبری است که دستور تشکیل چنین شورایی را با ذکر موارد اصلاح قانون صادر می‌کند.^۱

۳- سیاست گذاری‌های کلی و هدایت کلان امور کشور

مدیریت و تدبیر امور جامعه اگر همراه با دوراندیشی و آینده نگری نباشد، دچار روزمرگی و سطحی نگری می‌گردد. در این صورت، نیازها و ضرورت‌های فوری و آنی، مانع توجه به نیازهای آینده، برنامه ریزی و تدبیر برای تأمین آن خواهد شد. به خصوص در نظام سیاسی که مبنای اعتقادی و چارچوب ارزشی خاص برای خود پذیرفته است، آینده نگری و تلاش برای دستیابی به آرمان‌ها و اهداف بزرگ از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. تحقق این امر، مستلزم تدوین و تثبیت سیاست‌ها و خط مشی روشن و مشخصی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که با رعایت آن در همه بخش‌ها و دستگاه‌ها، مسیر کلی جامعه به سوی آن اهداف تنظیم می‌گردد. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران که از مهم‌ترین وظایف رهبری است، این هدف را تأمین می‌کند.^۲

طبق بند اول اصل ۱۱۲ قانون اساسی، این سیاست‌ها پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلت نظام، که مرکب از نخبگان و مدیران عالی کشور است و انتخاب اعضا و نظارت بر حسن اجرای آن بر عهده مقام رهبری است، تعیین می‌گردد.

۱. مصطفی، ناصحی، همان کتاب، ص ۲۱۴.

۲. علی، ذوعلم، همان کتاب، ص ۶۶.

تعیین سیاست‌های کلی نظام امری بدیهی است؛ زیرا بدون آن قوای سه گانه و بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در خطوط مشی کلان خود، دچار سردرگمی خواهند شد و برای یک نظام سیاسی معقول و هدف‌دار، نبودن سیاست‌های کلی، خلاء بزرگی ایجاد خواهد کرد. اما؛ این که چه مرجعی این سیاست‌ها، را تعیین کند، در قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸، این مرجع به صراحت بیان نشده بود. به همین دلیل در بازنگری سال ۱۳۶۸، این وظیفه به وظایف رهبری افزوده شد. به طور قطع نمی‌توان این وظیفه را از سایر نهادهای نظام انتظار داشت؛ زیرا سیاست‌گذاری کلی و کلان امری است فراتر از امور جاری کشور که به ثبات و استمرار نیاز دارد و دولت‌ها یا مجالس قانونگذاری که هر چهار سال دستخوش دگرگونی و تعویض قرار می‌گیرند، این ثبات را نمی‌توانند تأمین کنند.^۱

البته سیاست‌های کلی نظام، بر مبنای اصول و اهداف جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد و موجب تعطیل و تغییر آن اصول و اهداف نمی‌گردد. این سیاست‌ها، چارچوب و مبنای جهت‌گیری کلی کشور را در قانونگذاری و برنامه‌ریزی و خلاصه در همه عرصه‌های حکومتی مشخص می‌کند و حلقه پیوندی است بین اصول و اهداف نظام با وظایف دستگاه‌های حکومتی. بنابراین؛ بر خلاف برخی برداشت‌ها، تعیین این سیاست‌ها توسط مقام رهبری، هرگز موجب تضییع ابتکارات قوای مقننه و مجریه در انجام وظایف قانونی خود نمی‌گردد؛ بلکه محور و شاخص‌های مشترک و یکسانی برای اشتراک مساعی آنان در تعیین جزئیات سیاست‌های ملی و برنامه‌ریزی‌های کلان، فراهم می‌سازد.^۲

رهبری با تعیین محورهایی که با هدف مجموعه، هماهنگ باشد، اجزای داخلی را در مسیر هدف

۱. همان، ص ۶۷.

۲. محمد، هاشمی، همان کتاب، ص ۷۲.

اصلی منسجم می‌کند، یعنی با سیاست‌گذاری‌های کلی در بخش‌های مختلف، کلی‌ترین خطوط حرکت مجموعه‌های کوچک‌تر را بر اساس اهداف نظام ترسیم می‌نماید. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در آغاز برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی دستورالعمل‌هایی به دولت خدمتگذار ابلاغ کردند که نظارت بر حسن اجرای آن‌ها، برنامه توسعه را با اهداف نظام اسلامی هرچه بیش‌تر نزدیک و هماهنگ می‌کرد و از برخی کاستی‌های برنامه اول، که ادامه آن‌ها دورشدن تدریجی از آرمان‌ها و اصول نظام را به دنبال داشت، جلوگیری می‌نمود.^۱

قانون اساسی این مسئولیت را پیش‌بینی نموده و در اصل ۱۱۰ آن را این‌گونه بیان می‌کند:

«مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی را تعیین نموده و

به مجریان امور ابلاغ می‌نماید و هم‌چنین جهت اجرای صحیح و کامل آن‌ها، نظارت لازم را بر

دستگاه‌های مختلف اجرایی، اعمال می‌کند.»^۲

۱. علی اصغر، نصرتی، همان کتاب، ص ۳۱۰.

۲. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نسل کوثر، همان، ص ۵۶.

فصل سوم:

وظیفه ولی فقیه در شئون دینی

۱- وظیفه افتاء

یکی از وظایف و اختیارات مسلم فقیه جامع الشرایط، مرجعیت در فتوای اوست، چه در عصر حضور و چه در عصر غیبت. کسی که اذن از جانب مقام ولایت امر داشته باشد به مرجعیت افتاء منصوب می‌شود. زیرا؛ این منصب یکی از مناصب مندرج در ولایت کبری است. واگذاری افتاء در حقیقت مخصوص مقام ولایت امر است و ولی امر به هر که واگذار کند، می‌تواند متصدی آن گردد و در غیر این صورت در شئون ولایتی ولی امر فضولی کرده و غاصب و متجاوز خواهد بود.

هر فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت، حق فقاہت و نیز حق تصدی مرجعیت فتوا را دارد و به دلیل عمومیت رخصت صادره، به این مقام منصوب شده است.^۱

آیا اذن برای عموم در صورت به وجود آمدن تشکیلات حکومتی برابر آیین و سنت الهی نیز ثابت است و در سایه تشکیلات حکومتی باز هم هر فقیه جامع الشرایطی بدون مراجعه به مقام ولایت امری موجود و کسب اجازه خاص از او می‌تواند با تکیه بر اذن عام صادر یاد شده متصدی مرجعیت افتاء گردد؟

اذن عام اگر چه در عصر حضور وجود داشته است. اما؛ در شرایطی بود که در جامعه تشیع نظام تشکیلاتی و حکومتی نبود؛ ولی در همان دوران تشکیلاتی، مانند عصر خلافت ظاهری امام علی (علیه

۱. محمدهادی، معرفت، ولایت فقیه، چاپ سوم، نشر ذوی القربی، قم، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵ و ۱۳۷.

السلام) آیا هرکسی به دلیل فقیه بودن می‌توانست در یکی از ولایات تحت سیطره مقام ولایت کبری بر

مسند مرجعیت عام فتوایی تکیه زند و به نصب خاص از جانب ولی امر مسلمین نیاز نداشته باشد؟

پاسخ این پرسش، بدون تردید منفی است. زیرا؛ چنین چیزی با قانون نظم که بر تمامی تشکیلات

حکومتی اسلام حاکم است، منافات دارد. زیرا؛ تشکیلات یعنی نظام و هرچه بر خلاف نظم باشد، در

منطق تشکیلاتی محکوم است.

بر همین اساس؛ منصب افتاء عام از وظایف مقام ولایت است که بدون رخصت و تفویض از جانب

ولی، حقی غصب شده تلقی می‌شود.

ولی امر چنین منصبی را برای هرکسی که شایسته بداند، تفویض می‌کند و در غیر این صورت، رشته

امور از دست ولی امر بیرون رفته و بی‌نظمی و آشفتگی به وجود می‌آید.

خلاصه آن که نیاز نداشتن افتاء به اذن ولی امر، حاضر بر فرض منصب بودن آن سازگار نیست و در

نتیجه در حالت وجود تشکیلات و نظام حکومتی، اشتغال در هرگونه پست و مقامی که از شئون ولایت

کبری محسوب شود، باید با نصب خاص مشروعیت یابد و تنها اذن عام در این جهت کارساز نیست.^۱

۲- وظیفه قضاء

حاکم اسلامی، عهده دار شأن قضاوت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان معصوم

(علیهم السلام) نیز هست؛ به این معنا که نخست با تلاش و کوشش متمادی و اجتهاد علمی مبانی و

احکام قضاء اسلامی را از منابع اصیل آن به دست می‌آورد. سپس؛ بر اساس همان علوم و احکام و بدون

۱. گزیده، محمدهادی، معرفت، همان کتاب، ص ۱۳۸

آن که تصرفی از خود در آنها داشته باشد، به رفع تخاصمات و اجرای احکام قضایی و صادر نمودن فرامین لازم می‌پردازد.^۱

شهید اول (قدس سره الشریف) در کتاب القضاء می‌فرماید:

«الْقَضَاءُ وَلايَةٌ شَرْعِيَّةٌ عَلَى الْحُكْمِ فِي الْمَصَالِحِ الْعَامَّةِ، مِنْ قَبْلِ الْإِمَامِ»

شهید در این سخن، قضاء را نوعی ولایت شرعی می‌شمارد که در جهت مصالح عامه اعمال می‌گردد و آن را منصبی می‌داند که از جانب ولی امر مسلمین باید واگذار گردد. دیگر فقها نیز تصدی مقام قضاوت را به دلیل منصب بودن، مشروط به اذن از جانب ولی امر مسلمین دانسته‌اند.

صاحب جواهر در شرح عبارت محقق می‌گوید:

«در شرط بودن اجازه ولی امر، اختلاف نظری میان فقها وجود ندارد. بلکه؛ اجماع منقول و مُحَصَّل

بر آن وجود دارد. زیرا؛ منصب حکومت قضایی، در حقیقت از وظایف امام مسلمین است تا به هر

که شایسته یافت، واگذار کند.»^۲

این وظیفه حاکم اسلامی، یعنی تنفیذ عملی احکام صادر شده، بر خلاف وظیفه سابق مربوط به عمل

و در محدوده اجرای احکام اسلام است.^۳

۱. عبدالله، جوادی آملی، ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، چاپ اول، نشر اسراء، قم، ۱۳۷۸، ص ۲۴۴.

۲. محمدهادی، معرفت، همان کتاب، ص ۱۴۰.

۳. عبدالله، جوادی آملی، همان کتاب، ص ۲۴۴.

۳- وظیفه ولاء

منصب ولایت، سرمنشأ و خاستگاه منصب‌ها و اختیارات دیگر است و مشروعیت آن‌ها به اذن مقام ولایت بستگی دارد؛ ولی خود منصب ولایت، با توصیف ویژگی‌های ولی امر از جانب شرع و تشخیص آن‌ها توسط امت که امضای شارع را به دنبال دارد، مشروعیت می‌یابد.^۱

حاکم اسلامی پس از اجتهاد عمیق در متون و منابع دین و به دست آوردن احکام اسلام در همه ابعاد زندگی مسلمین، موظف به اجرای دقیق آن‌هاست. فقیه جامع شرایط در زمینه‌های مختلف اجتماعی، چه در امور فرهنگی نظیر تعلیم و تربیت و تنظیم نظام آموزشی صالح، چه در امور اقتصادی مانند منابع طبیعی و جنگل‌ها، معادن، دریاها و ...، چه در امور سیاسی داخلی و خارجی مانند؛ روابط بین الملل، در زمینه‌های نظامی مانند دفاع در برابر مهاجمان و تجهیز نیروهای رزمی و در سایر امور لازم به تطبیق قوانین اسلامی و اجرای احکام ثابت الهی مبادرت می‌ورزد.

احکام اسلامی، برخی فردی است و برخی اجتماعی، برخی مربوط به مردم است و برخی مخصوص مجتهد و حاکم. در همه این موارد، ولی فقیه باید پس از شناخت دقیق حدود این احکام، وظیفه هر فرد یا گروهی را در جامعه اسلامی مشخص سازد و با هماهنگی ساختن آن‌ها به اداره صحیح جامعه بپردازد و با اجرای احکام اسلام و رفع تراحم احکام و تقدیم احکام مهم بر احکام مهم، هدایت هرچه بیش‌تر مسلمین و جامعه اسلامی را محقق سازد.^۲

۱. محمدهادی، معرفت، همان کتاب، ص ۱۴۱.

۲. عبدالله، جوادی آملی، همان کتاب، ص ۲۴۴.

فصل چهارم:

وظیفه ولی فقیه نسبت به شهروندان

۱- تکلیف مداری

رهبری ولی فقیه، مبتنی بر نگرش تکلیف مدارانه به پذیرش مسئولیت زمامداری است و در همه تصمیم‌ها، اقدامات و تدابیر رهبری، عنصر انجام تکلیف الهی به عنوان انگیزه اصلی و هدف مهم، دخالت تام دارد.

البته تکلیف مداری با رعایت مصلحت عامه، تدبیر و دوراندیشی، نه تنها منافات ندارد بلکه این عناصر لازمه تکلیف مداری صحیح و عمیق است.

اعتقاد مردم و نیز دستگاه‌ها و عناصر مدیریتی نظام به این که رهبری وظایف و مسئولیت‌های خود را با توجه به همه جوانب و نگرش تکلیف مدارانه انجام می‌دهد، از سویی در پذیرش و قبول قلبی و حقیقی تصمیمات و دیدگاه‌های او و از سوی دیگر در کاستن از موانع و تضعیف عوامل مخالف نظام اسلامی و ناامید کردن آنان از توفیق در مخالفت، بسیار موثر است. ضمن این که بر توسعه و تعمیق فرهنگ تکلیف مداری در جامعه می‌انجامد و همین نیز زمینه کارآمدی رهبری را مضاعف می‌سازد.^۱

۱. علی، ذوعلم، همان کتاب، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.

۲- صدور فرمان بر طبق دستورات خداوند

رهبری الهی دارای توان، آگاهی و شایستگی کامل جهت رساندن انسان به تکامل واقعی هستند. آنها قادرند پیروان خود را بدون انحراف و سردرگمی به کمال مادی و معنوی رهنمون سازند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»^۱

«خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش برگردانید و در میان مردم به عدالت حکم نمایید.»

امام علی (علیه السلام) فرموده است:

«حَقُّ عَلَيَّ الْإِمَامِ أَنْ يَحْكُمَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَأَنْ يُؤَدِّيَ الْأَمَانَةَ...»^۲؛

«بر امام فرض است که در میان مردم بر طبق فرمان الهی حکم براند و امانت الهی را به اهله برساند.»

۳- مشورت با نخبگان

شیوه تدبیر و اداره امور جامعه در نظام ولایی، بر اصل مشورت و استفاده از دیدگاه‌ها تجربیات و نظریات دیگران استوار است. طرف این مشورت، در حقیقت نخبگان، روشنفکران علماء و اندیشمندان جامعه‌اند که همراهی و هم رأیی آنان با حاکمیت، نقش ویژه‌ای در مقبولیت حکومت خواهد داشت.

۱. سوره نساء (۴)، آیه ۵۸.

۲. محمد حسین، طباطبایی، تفسیر المیزان، ذیل آیه ۵۸ سوره نساء.

اگر همه کسانی که صاحب اندیشه و نظری هستند حتی اگر از نظر مبانی فلسفی و بینشی دارای اختلاف مبنا با نظام باشند، بتوانند همراه با صداقت، دیدگاه‌های خود را برای حسن جریان امور کشور به حاکمیت منتقل کنند و اطمینان داشته باشند که به دید احترام و حرمت به دیدگاه‌هایشان نگریسته می‌شود، به جای این که به مانع تراشی بپردازند، به یاری حاکمیت خواهند پرداخت. همین مشورت و بهره برداری از نظر و پیشنهاد آنان، در کارآمدی نظام نقش خاص خواهد داشت.^۱

بنابراین؛ مجموعه شرایطی که در متن نظریه سیاسی اسلام برای رهبری ولایی لحاظ شده و هم اصول، شیوه‌ها و راهکارهای کلان حکومتی در نظام ولایی، خود به خود نقش تعیین کننده‌ای در کارآمدی این عنصر خواهد داشت. البته این به معنی انکار یا نفی تأثیر شخصیت رهبری و توانمندی‌های سیاسی، علمی، اخلاقی، فرهنگی و مدیریتی وی در حسن ایفای نقش رهبری و تأمین کارآمدی آن نیست.^۲

۴- خدمتگزار دانستن خود

یکی از بارزترین و با اهمیت‌ترین نشانه‌های مردمی بودن نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران این عقیده و باور است که دولت و تمامی مسئولان کشوری و لشکری، همه و همه باید خادم و خدمتگزار مردم باشند. زیرا؛ خدمت کردن برای خلق خدا برای رضای او، از جمله اصول مسلم تعالیم آسمانی اسلام است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، در بیان ارزش معنوی خدمت به مردم می‌فرماید:

۱. علی، ذوعلم، همان کتاب، ص ۱۴۸.

۲. همان، ص ۱۴۹.

«حقاً و انصافاً خدمت به مردم در همه جا با ارزش است، در جمهوری اسلامی با ارزش تر است. زیرا؛ اگرچه این جا هم خدمت به مردم است اما این خدمت در چارچوب آرمان‌های والا و ارزشمندی است که ارزش خدمت را مضاعف می‌کند ... خدمت به مردم وقتی در چارچوب و جهت آرمان‌های والای انسانی و الهی قرار بگیرد، مثل آرمان‌های جمهوری اسلامی، ارزش چند برابر پیدا می‌کند.»^۱

این سخنان، زمینه مساعدی را فراهم می‌سازد تا مردم، اقدامات و تلاش‌های ولی فقیه را در راستای منافع و مصالح خود ببینند، نه برای قدرت یافتن شخص یا گروهی خاص و یا تأمین منافع قشر و حزبی ویژه. در جامعه وقتی این اصل پیاده شود، بخشی از مخالفان را به تدریج از مانع تراشی باز می‌دارد و یا حتی به صف موافقان وصل می‌سازد.^۲

۵- اطلاع رسانی (مردم را در جریان امور قرار دهد)

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه به این حقوق اشاره دارد و می‌فرماید:

«أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أَحْتَجِزَ دُونَكُمْ سِرّاً أَلَا فِي حَرْبٍ، وَلَا أَطْوِي دُونَكُمْ أَمراً أَلَا فِي حُكْمٍ، وَلَا أُؤَخِّرُكُمْ حَقّاً عَن مَحَلِّهِ، وَلَا أَقِفُ بِهِ دُونَ مَقْطَعِهِ وَأَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً»^۳

«آگاه باشید که شما حق دارید که من جز اسرار جنگی، رازی را از شما پنهان نکنم و جز فرمان الهی را بدون مشورت شما انجام ندهم، در پرداخت حق شما کوتاهی ننمایم و در زمان مناسب آن را به شما برسانم و با همگی شما به شکلی مساوی برخورد نمایم.»

۱. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نسل کوثر، همان، ص ۷۲.

۲. علی، ذوعلم، همان کتاب، ص ۱۴۸.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۰.

البته تساوی مردم در برابر زمامدار در مقام پرداخت حقوق اجتماعی است؛ ولی مسلم است که با

خوب و بد یکسان برخورد نمی‌شود. چنان‌چه؛ آن حضرت در جای دیگری می‌فرماید:

«وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنَ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي

الاحسان، تَدْرِيبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ»^۱

«هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا نیکوکار در نیکوکاری بی رغبت، و

بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش

«.۵۵»

۶- رعایت حال ضعفاء و بینوایان

مردم همیشه در نظر امام (رحمه الله علیه) اصل و محور بودند و همه فعالیت‌های اقتصادی و امتثال

آن باید بر محور نجات محرومین از محرومیت‌ها انجام گیرد.^۲

بنابر آموزه‌های صریح دینی، رهبر جامعه اسلامی موظف به رعایت حال بیچارگان، ضعفا و بینوایان

است و در سیاست‌ها و اقدامات خود، باید به اقشار محروم توجه ویژه‌ای داشته باشد. این اصل عملاً

توده‌های محروم جامعه را نسبت به نظام و حاکمیت، خوش‌بین و خرسند ساخته و ایشان را پشتیبان

خود می‌داند. اولاً؛ از خشم آنان و مانع شدن بر سر راه اقدامات حکومت پیشگیری می‌کند و ثانیاً بخش

عمده‌ای از نیروهای مؤثر در جامعه را پذیرای سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت می‌سازد.^۳

۱. همان، نامه ۵۳.

۲. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نسل کوثر، همان، ص ۱۳۸.

۳. علی، ذو علم، همان کتاب، ص ۱۴۸.

بخش سوم

بررسی مدیریت کارآمد ولایت فقیه

در حیطه‌های مختلف نظام

فصل اول:

حیطه سیاسی

۱- حفظ استقلال کشور و جلوگیری از وابستگی

دولت اسلامی، تحت رهبری رهبران اسلام توانسته استقلال کشور را حفظ کند و وابسته به بیگانگان نباشد. امام خمینی (رحمه الله علیه) استقلال ملی را یکی از بنیادهای اسلام می‌داند و می‌فرماید:

«بنیاد دیگر اسلام اصل استقلال ملی است. قوانین اسلام تصریح دارند که هیچ ملتی و هیچ شخصی حق مداخله در امور کشور ما را ندارد.»^۱

وی ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانست و از آن به حق اولیه بشر یاد می‌کرد. امام خمینی (رحمه الله علیه) سیاست دولت اسلامی را حفظ استقلال، آزادی ملت و دولت و کشور و احترام متقابل می‌انگاشت. او با تأکید بیش‌تری در این باره می‌فرمود:

«اصلی که غیر قابل تغییر است، این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و

استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد.»^۲

ایشان در آستانه پیروزی انقلاب برای آگاه نمودن افکار عمومی درباره اصل استقلال به توضیح

بیش‌تری می‌پردازد:

«ما خواهان قطع رابطه با قدرت‌های خارجی نیستیم. ما خواهان قطع وابستگی‌های ایران به دول

خارجی هستیم.»^۳

۱. روح الله، موسوی خمینی، صحیفه امام، جلد ۴، همان، ص ۲۴۳.

۲. همان، ص ۴۱۴.

۳. همان، جلد ۵، ص ۴۶۷.

امام معتقد است قدرت طلبی‌ها سبب شده ارزش‌ها، مسخ شود و مفاهیمی هم‌چون عدالت و حقوق بشر در خدمت قدرت‌های بزرگ تفسیر گردد و سازمان‌های بین‌المللی مجری احکام آن‌ها باشند. بر این اساس ایشان می‌گویند:

«این که جوانان ما می‌گویند نه شرقی نه غربی، معنایش این است که هیچ کدام از قدرت‌های

بزرگ در ایران دخالت نکنند و این کاملاً به جا و به حق است.»^۱

دوام و قوام جمهوری اسلامی ایران بر پایه سیاست نه شرقی و نه غربی استوار است و عدول از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت ایران خواهد بود. امام به صراحت اعلام داشت:

«تا من هستم، از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد. تا من هستم، دست‌آیادی آمریکا و

شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می‌کنم.»^۲ «کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است ...

این سیاست، ملاک ابدی مردم و جمهوری اسلامی و همه مسلمانان سرتاسر عالم است؛ چرا که

شرط ورود به صراط نعمت حق، برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و

جوامع اسلامی باید پیاده شود.»^۳

مقام معظم رهبری ادامه دهنده راه امام (رحمه الله علیه) و بزرگ‌ترین مدافع و سرسخت‌ترین پشتیبان انقلاب اسلامی به پیروی از امام بزرگوار، حفظ استقلال و قوام کشور را ادامه خط امام و اصل تغییرناپذیر نه شرقی و نه غربی می‌داند. بر این نکته تأکید دارد که مهم‌ترین اصل، حمایت و استقلال نظام اسلامی و پافشاری بر اصول و ارزش‌هاست و سه اصل (عزت، حکمت و مصلحت) را یک مثلث

۱. همان، جلد ۸، ص ۱۱۴.

۲. همان، جلد ۲۱، ص ۲۸۶.

۳. همان، جلد ۲۰، ص ۳۱۹.

الزامی برای چارچوب ارتباط بین المللی نظام جمهوری اسلامی می‌داند که نباید هیچ خدش‌های به آن وارد شود.^۱

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«استقلال یعنی عدم وابستگی سیاسی، یعنی اتخاذ مواضع مستقل، یعنی اگر همه دنیا هم اتفاق نظر

پیدا کنند در قضیه فلسطین (مثلاً) بر یک امری و بعد ما ببینیم که این چیزی که مورد اتفاق

این‌هاست با مبانی ما تطبیق نمی‌کند او را صریح رد می‌کنیم.»^۲

۲- تدبیر ولایت فقیه بر فن آوری هسته‌ای

دستیابی جمهوری اسلامی ایران به فن آوری هسته‌ای و بومی کردن این دانش روز بشری که در توسعه و پیشرفت کشور نقش بالایی ایفا خواهد کرد، افتخار بزرگی است که در دوران پس از انقلاب اسلامی و با تلاش اندیشمندان و متخصصان داخلی و تدبیر عالمانه رهبری، نصیب ملت ایران گردیده است. از جمله عوامل چالش ساز برای ایران، تلاش برای حفظ و نهادینه کردن موقعیت به دست آمده در عرصه فن آوری هسته‌ای با توجه به شرایط منطقه‌ای و بین المللی محسوب می‌گردد.

آمریکایی‌ها با تکیه بر قدرت رسانه‌ای خود، تلاش گسترده‌ای را در پیش گرفتند تا ایران اسلامی را در برابر یک جبهه جهانی قرار داده و با این بهانه که جمهوری اسلامی با وجود ذخایر غنی انرژی، خیلی نیازی به انرژی اتمی ندارد و به همین دلیل فعالیت‌های هسته‌ای آن دارای مقاصد غیر صلح آمیز است، با

۱. برداشت، منصور، حاتمی راد، مقاله "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، چاپ اول، نشر زمزم هدایت،

قم، ۱۳۸۶، ص ۲۹۵.

۲. همان، ص ۳۰۳.

ایجاد فشارهای بین‌المللی و انجام تهدیدات نظامی، مسئولان کشور را به عقب‌نشینی هسته‌ای مانند کشورهای چوآن آرژانتین، برزیل و لیبی مجبور کنند.^۱

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این باره می‌فرماید:

«آنچه به دست آمده، ارزشمند است و این دانش ارزشمند را نه دولت، نه مسئولان، نه سازمان انرژی اتمی و نه هیچ فردی از افراد این کشور حق ندارد که از دست بدهد و روی آن معامله کند؛ قطعاً معامله‌ای هم صورت نگرفته و نخواهد گرفت. البته اگر آن‌هایی که وارد این گفتگو با مسئولان جمهوری اسلامی شدند، بخواهند با جمهوری اسلامی سر این قضیه به چالش بیفتند و زیاده‌طلبی کنند، همه چیز به هم خواهد ریخت و قطعاً حاضر به دادن هیچ امتیازی نخواهیم بود.»^۲

بدون تردید هدف اساسی و اصلی آمریکا و اروپا در برخورد با فعالیت‌های هسته‌ای ایران از بین بردن این فن‌آوری است که نمی‌توانند، چون آن را از کسی عاریه و وام نگرفته ایم بلکه متخصصان هوشمند خود ما توانسته‌اند آن را به دست آورند. البته اگر به میل غربی‌ها بود تا صدها سال دیگر هم نمی‌گذاشتند که جمهوری اسلامی به چنین فن‌آوری دست یابد؛ ولی با توکل بر خداوند متعال و با تدبیر حکیمانه رهبر عزیزمان و با هوشمندی متخصصان کشور بحمدالله امروز کشورمان به پیشرفت در همه زمینه‌ها به خصوص در فن‌آوری هسته‌ای دست پیدا کرده است.^۳

۱. همان، ص ۳۱۷.

۲. مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، سیاست شارح، سخنرانی در سال ۱۳۸۲.

۳. برداشت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، راهبردها در کلام رهبر، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷.

۳- نقش ولی فقیه در تداوم انقلاب اسلامی

شاخص مهم مکتب سیاسی امام بزرگوار ما در پاسداری از ارزش‌ها و تداوم انقلاب اسلامی در هدایت، جهت دهی و ترسیم خط مشی‌های کلی و کلان کشور و جلوگیری و مقابله با انحرافات و توطئه‌ها متجلی شده است و در حقیقت ولایت فقیه به مثابه نماد اسلامیت نظام و ضامن بقاء و مصونیت آن از خطرات و انحرافات اجتماعی و بحران‌های پیش رو است. بدون شک بدون این ستون اصلی و رکن اساسی نظام جمهوری اسلامی، ادامه حرکت انقلاب اسلامی در مسیر ترسیم شده، امکان پذیر نمی‌باشد. رهبری هوشمندانه امام (رحمه الله علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به خوبی ترسیم کننده نقش و جایگاه ولایت فقیه در تداوم انقلاب اسلامی و ادامه مسیر پرخطر آن است که بر کسی پوشیده نیست.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مورد جایگاه ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی چنین می‌فرماید:

«ولایت فقیه، مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف آن است. پاسداری

و دیدبانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش

ولایت فقیه است.»^۱

رهبر عزیز و بزرگوارمان حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) یکی از گوهرهای ناب دریای خروشان انقلاب اسلامی از زمان شروع نهضت، به پیروی از امام راحل (رحمه الله علیه) وارد صحنه گردیده و در این راه به فعالیت پرداخته و تا پیروزی انقلاب از پای ننشسته و بعد از پیروزی نیز به حراست از اصول بنیانی انقلاب، پاسداری از ارزش‌ها، حفظ جهت گیری الهی، زنده نگه داشتن

۱. موسسه فرهنگی قدر ولایت، ولایت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴، ص ۳۶۶.

ارزش‌های انقلاب، حفظ اتحاد و یکپارچگی میان ملت و جلوگیری از بروز تفرقه و ... پرداخته است و این نقطه روشنی است که شعار ضدیت با سلطه جهانی استکبار را عالم‌گیر ساخته و ارکان نظام سلطه جهانی را متزلزل کرده است و همین است که از این پس ملت ایران را بر همه توطئه‌های دشمنان فائق خواهد ساخت.^۱

۱. برداشت، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نسل کوثر، همان، ص ۱۴۹.

فصل دوم:

حیطه اقتصادی

۱- رشد و ساماندهی اقتصادی

برای دسترسی به رفاه عمومی و ساماندهی و قدرت اقتصادی، چاره‌ای جز زمینه سازی رشد مداوم اقتصادی نیست. براین اساس می‌بینیم که در تعالیم اسلامی، گاهی به طور مستقیم به عمران و آبادانی و گاهی به طور غیرمستقیم به لوازم و پیامدهای آن دستور داده شده تا جامعه اسلامی از رشد مستمر اقتصادی برخوردار شود.

خداوند متعال، آبادانی زمین را به عنوان مسئولیتی از انسان خواسته است: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»^۱ «خداوند شما را از خاک بیافرید و برای آباد ساختن زمین برگماشت.»

اقتصاد ضروری‌ترین جنبه زندگی افراد در جامعه است که ساماندهی درست آن باعث ایجاد امنیت، رفاه و آسایش روحی، روانی برای شهروندان آن جامعه و ایجاد قدرت و شوکت برای دولت و حکومت می‌گردد.

بنابراین؛ بر مدیر واجب است که پیش از هر چیز، امور اقتصادی شهروندان خود را در سطح فردی سامان دهد تا عدل مدنی و به دنبال آن عمارت و آبادانی دنیوی را برای ملت و دولت خویش به ارمغان آورد.^۲

۱. سوره هود (۱۱)، آیه ۶۱.

۲. حسین، رضایی خردمردی، مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، چاپ دوم، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸.

بر اساس همین مسئولیت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از تشکیل حکومت اسلامی، به روش‌های گوناگون زمینه رشد و توسعه اقتصادی جامعه اسلامی را فراهم می‌آوردند و پیرو همین تعالیم است که امیرمومنان علی (علیه السلام) در نامه معروف خود به مالک اشتر، بی توجهی به عمران و آبادانی را عامل خرابی شهرها، نابودی انسان‌ها و زوال دولت‌ها دانسته‌اند.^۱

تعالیم فوق، فقط برای رفع فقر و تأمین زندگی مناسب مطرح نشده، در حالی که مراجعه دقیق به احادیث پیشوایان معصوم (علیهم السلام) نشان می‌دهد حتی آنان که مایحتاج زندگی را در حد رفاه داشتند، بر کار و فعالیت اقتصادی توصیه می‌شدند. طبق روایتی، امام صادق (علیه السلام) در عین اظهار بی رغبتی به سود تجارت، سرمایه خود را در اختیار تاجری قرار می‌دهد و می‌فرماید:

«من رغبتی به سود آن مال ندارم، اگرچه سود، امر مرغوب و خوشایندی است، اما دوست دارم که خداوند ببیند من آن مال را در معرض فایده و سود قرار داده‌ام.»^۲

در اثر همین تدابیر و ترغیب‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان معصوم (علیهم السلام) است که اقتصاد صدر اسلام به چنان رشد و شکوفایی رسید.^۳

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توطئه‌های پیچیده استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی ضربه زدن به اقتصاد کشور با تحریم و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت ناکارآمدی نشان دادن نظام جمهوری اسلامی در حل مسائل معیشتی جامعه و ایجاد پیشرفت و رفاه و عدالت در کشور است. اما؛ جمهوری

۱. همان، ص ۱۱۸.

۲. محمدابن حسن، حرعاملی، وسایل شیعیه، جلد ۱۲، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۱، ص ۲۶.

۳. عباس، موسویان، کلیات نظام اقتصادی اسلام، چاپ اول، نشر دارالتقلین، ۱۳۷۹، ص ۴۲.

اسلامی ایران بر اساس نگاه آسمانی و مبتنی بر وحی در زمینه اقتصاد و عرصه‌های اقتصادی، توانست بر مشکلات و توطئه‌ها فائق آید و بر خلاف انتظار دشمنان، راه رشد و پیشرفت و ترقی را در بستر عدالت اجتماعی هموار کند، به طوری که پیشرفت‌های مهم فنی صنعتی، کشاورزی و علمی ایران، تعجب بسیاری از کارشناسان خبره را برانگیخت و رتبه ایران را نه تنها در منطقه که در جهان ارتقاء چشمگیر داد.

عامل مهمی که همراه با نگاه الهی به اقتصاد و عرصه‌های آن، این کار بزرگ را سامان داد، راهبری و هدایت و مدیریت رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) بود که با اصلاح دیدگاه‌های اقتصادی، گشودن گره‌ها، ترغیب مردم به فعالیت، تأکید و توصیه به رعایت جنبه‌های شرعی در مسائل اقتصادی، دعوت مسئولان و نمایندگان به مسائل اصلی و مهم‌تر در حوزه اقتصاد و حمایت از مخترعان و نخبگان جوان و طرح‌های علمی و فناوری، جهشی در تولید علم، صنعت، تجارت و کشاورزی ایجاد کردند و جایگاه ایران را در اقتصاد منطقه و جهان روزبه روز ارتقاء دادند.^۱

۲- جلوگیری از اخلال اقتصادی

رهبران اسلامی، تبیین خطوط کلی مال در نظام اسلامی را بر عهده دارند و قوانین الهی گذشته از آن که مردم را به کاشت، داشت و برداشت در همه شئون اقتصادی دعوت می‌نماید حلال بودن مال را در همه مراحل تحصیل، نگهداری، توزیع، صرف و هزینه آن، رکن لازم یک اقتصاد سالم می‌داند.^۲

۱. موسسه فرهنگی هنری قدرولایت، اقتصاد و عرصه اقتصادی از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، جلد دوم، ۱۳۹۱، ص ۲۹ و ۳۰.

۲. عبدالله، جوادی آملی، همان کتاب، ص ۱۰۷.

اسلام، احتکار ثروت و ذخیره کردن آن را ممنوع می‌داند و این عمل را به منزله ضبط خون در رگ بدن که سبب فلج شدن سایر اعضا می‌گردد، تلقی می‌کند. بنابراین؛ جریان و حرکت آن را لازم می‌شمرد و جریان ناتمام مال و منحنی ناقص مسیر آن را ممنوع و جریان کامل و منحنی تام آن را لازم می‌داند، یعنی اجازه نمی‌دهد که ثروت مملکت در دست گروهی خاص جاری باشد و هرگز به دست دیگران نرسد، بلکه فتوا می‌دهد که لازم است دور آن کامل باشد تا به دست همگان برسد.^۱

در هر جامعه، افراد سودجو و فرصت طلب یافت می‌شوند که با اختلال در نظام اقتصادی در پی زراندوزی بیش‌تر هستند که اگر مهار نشوند، نظم اقتصادی را برهم می‌ریزند و کل نظام را دچار مشکل جدی می‌کنند. از این رو؛ رهبری با مدیریت و جدیت تمام به کنترل مسائل اقتصادی می‌پردازد و آن را در بستر صحیح خویش قرار می‌دهد.

نقش ولی فقیه، مقابله با فساد مالی و اختلاس‌های کسانی است که بیت المال را در اختیار دارند. برای رسیدن به این هدف باید از ناظرین امین برای نظارت بر صرف هزینه‌های ادارات و نهادها و ... استفاده نمود.^۲

بنابراین؛ مال نباید در اختیار اشخاص حقیقی خاص یا شخصیت‌های حقوقی مخصوص محصور باشد بلکه باید در تمام قشرهای جامعه جاری گردد و این ره آورد اسلام، پایه و اساس اقتصاد سالم است.^۳

۱. همان، ص ۱۰۸.

۲. حسن، قاسمیان، ولایت فقیه، چاپ اول، نشر اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۷، ص ۱۲۴.

۳. عبدالله، جوادی آملی، همان کتاب، ص ۱۰۹.

فصل سوم:
حیطه اجتماعی

۱- تعمیق و گسترش تربیت و اخلاق در جامعه

تشکیل حکومت دینی، بسترسازی برای رشد و تعالی جامعه و تحقق اخلاق الهی در آحاد ملت است. حضور رهبر ولایی در رأس نظام اسلامی، ضامن تعمیق و توسعه تربیت دینی در جامعه است. رهبری ولایی به عنوان ادامه دهنده راه انبیاء (علیهم السلام) دو وظیفه اساسی نجات جامعه از ظلمت ظلم و بی عدالتی و استبداد و نیز رهایی آن از ظلمت نفس و جهالت و شهوت پرستی را بر عهده دارد. به تعبیر امام (رحمه الله علیه):

«از اول انبیاء این دو شغل را داشته اند: شغل معنوی که مردم را از اسارت نفس خارج کنند، از

اسارت خودش خارج کنند ... و شغل دوم این که مردم و ضعفاء را از گیر ستمگران نجات بدهند،

این دو شغل، شغل انبیاست.»^۱

همین کار ویژه است که در کلام حضرت علی (علیه السلام) مسئولیت مدیر کارآمد و حاکم با تعبیر گوناگون بیان شده است. برخلاف نظریه‌های سیاسی لیبرالی که تربیت و اخلاق را مقوله‌ای غیر حکومتی می‌دانند و تبلیغ و ترویج ارزش‌های خاص دینی را خارج از قلمرو مسئولیت دولت می‌شمارند، از دیدگاه اندیشه سیاسی اسلام، این وظیفه، از وظایف مهم حکومت است که با تدبیر و روش‌های تأثیرگذار، باید مورد اهتمام حکومت باشد. نبود عنصر و نهاد ولایت فقیه در جامعه، محدود کردن نگاه حکومت به نیازهای مادی جامعه و دچار شدن به روزمرگی و غفلت از ارزش‌های متعالی را حاصل،

۱. روح الله، موسوی خمینی، ولایت فقیه، همان، ص ۷۰.

بلکه قطعی می‌سازد. به ویژه این که ترویج و تأکید بر ارزش‌های متعالی اخلاقی، خودبه‌خود رفتار حکومتی و مدیریتی و بهره‌برداری شخصی مدیران و مسئولان را از منابع عمومی نیز به حدود اخلاقی تهدید می‌سازد و این امر، به طور طبیعی خوشایند آنان نخواهد بود. نبود رهبری ولایی، خطر سقوط جامعه را به منجلاب تباهی و فساد اخلاقی فراهم می‌سازد.^۱

۲- تحول مستمر اصلاحی جامعه

نظام جمهوری اسلامی ایران، در طول تحول خود در مقاطع و دوران‌های مختلف پس از شکل‌گیری علی‌رغم همه دشواری‌ها، با پایبندی به آموزه‌های دینی و آرمان متعالی اسلام و اصل پویایی اجتهاد که در اصل ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی تبلور یافته است، اصلاحات زیادی را در جامعه انجام داده است.^۲

از جمله اصلاحات: تغییر حاکمیت طاغوت به انقلاب اسلامی اصلاح امنیتی، اصلاح اداری اصلاح قضایی، اصلاح قوانین و مقررات و ...

رهبری ولایی است که می‌تواند با نگاه تکلیف‌مدارانه، اصلاح طلبانه و با برخورداری از جایگاه و شأن والای سیاسی و دینی خود، حکومت دینی را از فروغلتیدن در ایستایی و محافظه‌کاری سیاسی و اقتصادی و اجتماعی محافظت کند و با درک واقع بینانه مطالبات اجتماعی نسل‌های نوخاسته و اعتقاد و باور به آرمان‌های انقلابی و الهی، مسیر تعالی جویانه و اصلاحی جامعه را تعیین، تأمین و تضمین کند.^۳

۱. علی، ذوعلم، همان کتاب، ص ۱۳۳.

۲. مهدی، نظریور، مقاله "اصلاحات سیاسی"، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، چاپ اول، نشر زمزم ولایت، قم، ۱۳۸۶، ص ۲۷۶.

۳. علی، ذوعلم، همان کتاب، ص ۱۶۷.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) رهنمودهای مهمی را درباره اصلاحات و انجام آن در جامعه ایران داشته‌اند که از بیانات و رهنمودهای ایشان چنین نتیجه می‌گیریم که در روند انجام اصلاحات باید اولویت‌هایی در نظر گرفته شود که مهم‌ترین آن‌ها، هدایت از یک مرکز مقتدر، حفظ ساختار نظام، مقابله با تندروی و دخالت بیگانگان و مقابله با عوامل تجزیه قومی در کشور است.^۱

۳- برقراری عدالت در روابط اجتماعی به عنوان ارزش محوری

قرآن کریم یکی از اهداف انبیاء (علیهم السلام) را اقامه و برقراری عدالت در جامعه بیان می‌کند و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ...»^۲

«به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو فرستادیم تا مردم به انصاف برخیزند.»

عدالت به عنوان یک ارزش محوری به گونه‌ای بر جامعه تأثیر دارد که رواج و نهادینه شدن بسیاری از ارزش‌ها را به خود متکی کرده است. جامعه متکی بر روابط ظالمانه، انسجام و هماهنگی خود را از دست داده به جنگی داخلی می‌انجامد. امام علی (علیه السلام) خطاب به یکی از فرماندارانش می‌فرماید:

«عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن که ستم، رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه با شمشیر می‌انجامد.»^۳

۱. مهدی، نظریور، همان مقاله، ص ۲۹۲.

۲. سوره حدید (۵۷)، آیه ۲۵.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶.

با توجه به اهمیت مسئله عدالت است که اسلام عدالت را یکی از شرایط اساسی امام و رهبر جامعه اسلامی می‌داند. زیرا؛ تنها انسانی که در وجود خود موازین عدالت را ملکه کرده و در رفتار فردی و زندگی خصوصیش عدل را ملاک عمل قرار داده، می‌تواند عدالت را به نحو احسن در جامعه پیاده کند.^۱

پس از حکومت امیرالمومنین (علیه السلام) که چهارده قرن قبل سایه عدالت بر سرزمین‌های اسلامی گسترده بود، هیچ خبری از عدالت و حکومت اسلامی به معنای واقعی آن نبود تا زمان ما که در ایران، حکومت اسلامی برقرار گردیده و بر آن است که قوانین الهی را در جامعه به کار گیرد. برای رسیدن به چنین آرمان مقدسی، کارآمدترین افراد، مدیران جامعه می‌باشند؛ مدیرانی که در پیکره نظام، هر کدام مسئولیتی را به عهده می‌گیرند که در رأس آنان ولی فقیه است که دلسوزانه تلاش می‌کند که حکومت را در مسیر خدایی اش یار و مددکار باشد.^۲

مقام معظم رهبری، فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی را استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند:

«... ما باید امروز جامعه را جامعه عدالت بکنیم، در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهم‌تر است، عدالت به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است، عدالت یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف، عدالت یعنی این که برنامه‌ها و حرکت کلی کشور در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد ... تحقق زندگی عادلانه به این است که کمک نظام و تشکیلات و حرکت آن در جهت کمک به مستضعفان باشد.»^۳

۱. عباسعلی، عظیمی شوشتری، مقاله "نقش ولایت فقیه در حفظ ارزش‌ها"، ۱۳۸۴.

۲. محمد حسن، نبوی، مدیریت اسلامی، چاپ هجدهم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۱، ص ۲۹.

۳. محمد، ستوده، مقاله "روابط بین المللی"، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، چاپ اول، نشر زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۶، ص ۴۰۴.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به دولتمردان در زمینه امنیت شغلی، امنیت قانونی قضایی و امنیت محیط زندگی مانند: خانه‌ها، شهرها، روستاها و مرزها، رهنمودها و راهکارهایی ارائه نمودند تا باعث جریان عدالت در جامعه شود و همه از حق مساوی و عادلانه برخوردار باشند.^۱

۴- مانع انحراف جامعه

ولایت فقیه، امتداد و استمرار ولایت ائمه (علیهم السلام) و نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. اسلام رهبری امت را به فردی واجد صلاحیت‌های ویژه سپرده است و از آن به امامت و ولایت نام برده است تا علایق معنوی و عاطفی و پیوند عمیق بین این رهبری و مردم را به تمامیت نشان دهد. امامت و ولایت، خط و جهت‌گیری صحیح جامعه در تمامی ابعاد را نشان می‌دهد و هر انحرافی در برابر این اساسی‌ترین محور سلامت، سنجیده می‌شود. انقلاب اسلامی، نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه را تثبیت و در عمل کارآیی بی نظیر آن را اثبات نمود. حضرت امام می‌فرمایند:

«من به همه ملت، به همه قوای انتظامی، اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی به این مملکت وارد نخواهد شد. گویندگان و نویسندگان نترسند از حکومت اسلامی، نترسند از ولایت فقیه، ولایت فقیه آن طور که اسلام مقرر فرموده است و ائمه (علیهم السلام) نصب فرموده‌اند، به کسی صدمه وارد نمی‌کند، دیکتاتوری به وجود نمی‌آورد، کاری که بر خلاف مصالح مملکت است انجام نمی‌دهد، کارهایی که بخواهد دولت یا رئیس جمهور یا کس دیگری بر خلاف مسیر ملت و برخلاف مصالح کشور انجام دهد، فقیه کنترل می‌کند، جلوگیری می‌کند.»^۲

۱. موسسه فرهنگی قدرولایت، ولایت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۶۶.

۲. روح الله، موسوی خمینی، صحیفه امام، جلد ۱۰، همان، ص ۵۸.

حضور رهبری عاملی است که از همان نخستین جرقه‌های پیدایش انقلاب اسلامی ایران در میان مردم، به عنوان نقطه عطف، وحدت و انسجام ملی را به ارمغان آورد و مردم در سایه پیروی از ولایت فقیه به پیروزی‌های درخشانی دست یافتند.

ولی فقیه همواره مراقب حفظ وحدت و ثبات سیاسی جامعه اسلامی است و اجازه نمی‌دهد برخی مشکلات، دستاویز چالش افکنی در مسیر حرکت نظام به سوی اهداف متعالی خود شود.^۱

در دهه نخست انقلاب اسلامی با چالش‌های بزرگی هم‌چون فتنه‌های تجزیه طلبی، توطئه‌های براندازی جریان‌های ضدانقلاب، جنگ تحمیلی کودتاها و اقدامات تخریبی، تحریم‌ها و بسیاری از مشکلات دیگر روبرو بود، که اگر ولی فقیه زمان امام خمینی (رحمه الله علیه) حضور نداشتند، به طور قطع هرکدام قادر بود کشور را دچار تلاطم و سرنگونی کند.

این قدرت و نقش رهبری دینی امام بود که در کوران ترور و شهادت شخصیت‌های کلیدی کشور در حادثه ۷ تیر و ۸ شهریور ۱۳۶۰، توانست کشور را به راحتی از فروپاشی نجات دهد. در دوران رهبری آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز ما شاهد فتنه‌ها و اقدامات براندازانه مختلفی بودیم که در صورت عدم حضور و رشادت و بصیرت ایشان، کشور به طور قطع دچار مشکلات سهمگین و خانمان سوزی می‌گشت. غائله ۱۸ تیر ۱۳۷۸، فتنه ۱۳۸۸ و بسیاری دیگر همگی مصادیقی از نقش آفرینی ولایت فقیه در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران است.^۲

۱. برداشت، محدثه، شفیعی، مقاله "نقش ولایت فقیه در حفظ وحدت جامعه"، ۱۳۹۱.

۲. روزنامه رسالت، سایت mahalleh.info

فصل چهارم:

حیطه فرهنگی

۱- نقش رهبر در زمینه نشر و هدایت فرهنگی

در جامعه اسلامی، میان مردم و حکومت دوگانگی و جدایی نیست. به عبارت دیگر نوعی تقسیم کار نه تقسیم مسئولیت، در قبال جامعه، اسلام، کشور و منافع نظام وجود دارد و همه مسئولیت مشترک دارند.^۱

رهبران حکومت اسلامی، عهده دار تأمین علم و دانش شهروندان قلمرو حکومت خود می‌باشند و آیاتی مانند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»^۲، بیانگر آن است.

آنچه در جامعه به ویژه در جامعه امروز توسط رهبری باید مدیریت شود این است که برای بقاء و نگهداری دین در جامعه مردم را به مسائل و اصول و احکام آن به طور کامل آشنا و مطلع ساخته و با تربیت‌های اخلاقی و انواع مواعظ و نصایح و ارتقاء سطح علمی جامعه، ریشه‌های درونی فساد و گرایش‌های ضد دینی را از بین ببرد و از عواملی که در جامعه فساد را گسترش می‌دهد و شعله هواها و هوس‌ها را می‌افروزد، جلوگیری نماید.

۱. جواد، منصوری، مقاله "نوسعه فرهنگی مختصات و آسیبها"، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، نشر شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی،

۱۳۸۲، ص ۹.

۲. سوره جمعه (۶۲)، آیه ۲.

از جمله نقش ولی فقیه، تبلیغ و ترویج احکام و معارف دینی است اما باید زمینه‌ها و امکانات گسترش معارف قرآنی و آشنایی با قوانین و مقررات اسلامی را فراهم نماید و با استفاده از همه ابزار و امکانات و نیروهای فرهنگی، جامعه اسلامی را از جهل و نادانی‌های رهایی بخشد و با معارف حیات بخش اسلام آشنا نماید. هم‌چنین با مدیریت و گسترش و حمایت از مراکز فرهنگی مانند: حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مراکز تربیتی، معارف اسلامی را در میان همه اقشار جامعه نشر دهد.^۱

اگر اسلام و رهبری دینی و مرجعیت و جهاد و شهادت و مقابله با ظلم را که جزء فرهنگ ماست، نمی‌داشتیم، نمی‌توانستیم قیام کنیم. این‌ها عناصر زنده و کارآمد و قوی هستند که در فرهنگ ما موجود است. فرهنگ ملی ما از فرهنگ دینی ما جدا نیست.^۲

۲- اولویت دادن به فرهنگ و امر آموزش و پرورش

در یک نظام اسلامی، تربیت و آموزش اولویت تام دارد. به فرموده امام علی (علیه السلام):

«ای مردم... حق شما بر من آن که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، شما را آموزش دهم تا بی سواد نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.»^۳

رهبران اسلامی در هدایت و تربیت مردم حریص هستند؛ زیرا پیامبر این گونه بود. خداوند متعال می‌فرماید:

۱. حسن، قاسمیان، ولایت فقیه، چاپ اول، نشر اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۷، ص ۶۵ و ۱۱۷.

۲. موسسه فرهنگی قدر ولایت، ولایت، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۲۷۶.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^۱

«قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که در رنج افتادن شما بر او دشوار است، به هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است.»

چنین شخصیتی توانست جامعه بدوی عرب را چنان تربیت کند که معیارهای اسلامی را به بهترین نحو مورد عمل قرار دهند و در مقابل ثروتمندترین سران حکومتی زمان خود، سر خم نکنند.

رهبران اسلامی که الگوی آنها پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) است نیز چنین اند. با ضدا ارزش‌ها نبرد خواهند کرد، اگرچه جان خود را از دست بدهند. بر این اساس امام خمینی (رحمه الله علیه) مسئله تربیت را مهم‌ترین وظیفه حکومت دانسته و از همان بدو پیروزی انقلاب بر این موضوع تأکید داشتند که صداوسیما و دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی و رسانه‌ها، در زدودن فرهنگ استعماری نقش مهمی ایفا می‌کنند. امر فرمودند که باید به فرزندان این ملت، فرهنگ مبارزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی را آموخت.^۲

مقام معظم رهبری نیز در یکی از بیانات خود تصریح فرمودند:

«مسئله فرهنگ و تعلیم و تربیت، مسئله اول نظام ماست. در بلند مدت هیچ چیز به اندازه تعلیم و تربیت اهمیت ندارد و در حقیقت سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی و قلدری شیاطین سیاسی عالم، همین سنگر مدرسه است.»

۱. سوره توبه (۹)، آیه ۱۲۸.

۲. روح الله، موسوی خمینی، صحیفه امام، جلد ۱۵، همان، ص ۲۱۳.

دشمنان قسم خورده با استحاله سازی فرهنگی، بهره گیری از جریانات جعلی و نیز تحریف مقدرات اسلامی با فرقه سازی در صدد تضعیف کارآمدی و نفوذ اسلام و کاهش قدرت الهام بخش اسلام سیاسی اهل بیت (علیهم السلام) بوده‌اند. بر این اساس؛ ولایت فقیه به عنوان دیده بان قدرت نرم انقلاب و طبیب اصلی کشور در مواجهه با ویروس‌های داخلی و خارجی، مردم را به هوشیاری بصیرت افزایی و عمق بخشی معرفت دینی، دعوت کرده‌اند.^۱

۱. علیرضا، الممیر، مقاله "مدیریت پویایی ولایت فقیه"، ۱۳۹۱.

نتیجه

ولایت در هر یک از حوزه‌های علمی فقه، عرفان، کلام تعاریف مختلفی دارد. اندیشه سیاسی، اجتماعی حاکمیت ولایت فقیه در واقع به مفهوم کلامی ولایت نزدیک است و سرپرستی فقهاء بر زندگی اجتماعی مسلمین را تداعی می‌کند.

ولایت فقیه مهم‌ترین اصول اسلام و در حقیقت ضامن عدم انحراف تمامی ارکان حکومت است. از آن‌جا که وظیفه اصلی ولی فقیه، هدایت مجموعه نظام اسلامی است، لازم است بر ارکان حکومت به طور مستقیم نظارت، دخالت و اشرافیت داشته باشد.

جامعه اسلامی با عنایات خداوند متعال و در سایه سرپرستی ولایت فقیه روز به روز به پیشرفت و شکوفایی در زمینه اقتصاد، حفظ استقلال و عدم وابستگی به بیگانگان، برقراری عدالت در روابط اجتماعی و توسعه و نشر فرهنگ، نزدیک‌تر می‌شود.

ولایت فقیه مهم‌ترین عامل بهبود مدیریت کارآمد نظام اسلامی است و در تمامی شئون نظام از جایگاه و نقش محوری برخوردار است و در عصر کنونی که جامعه ما بیش از پیش به درایت و تدبیر ایشان نیازمند است، با بهره‌گیری از ایشان و در پرتو هوشمندی، ذکاوت، دوراندیشی تیزبینی، همه‌جانبه‌نگری، بهره‌گیری از فرصت‌ها، شم سیاسی - اجتماعی و با مشورت بزرگان و علمای دین می‌تواند به مدیریت کارآمد در تمامی حیطه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نایل گردد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- ۱- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، ۱۳۶۹.
- ۲- بنیاد بین المللی غدیر، ولایت فقیه استمرار حکومت علوی و نقطه درخشان انقلاب اسلامی، چاپ اول، نشر زمزم هدایت، قم، ۱۳۹۱.
- ۳- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نسل کوثر، چاپ اول، نشر یاقوت، ۱۳۸۱.
- ۴- جعفر پیشه فرد، مصطفی، مفاهیم اساسی نظریه ولایت فقیه، چاپ اول، نشر دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم، ۱۳۸۰. ۶
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه فقاقت و عدالت، چاپ اول، نشر اسراء، قم، ۱۳۷۸.
- ۶- حاتمی راد، منصور، مقاله "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، چاپ اول، نشر زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۶.
- ۷- حر عاملی، محمدابن حسن، وسایل شیعیه، جلد ۱۲، نشر المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- ۸- خامنه ای، علی، حدیث ولایت، جلد ۱، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۹- دانشکده حقوق و علوم سیاسی، جزوه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۰- دفتر نشر فرهنگ اسلامی، راهبرد در کلام رهبر، جلد ۲، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۱- ذوعلم، علی، تجربه کارآمدی حکومت ولایی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

- ۱۲- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد بن المفضل، مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، نشر سبحان، ۱۳۸۶.
- ۱۳- رضائی خردمردی، حسین، مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، چاپ دوم، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۶.
- ۱۴- روزنامه رسالت، سایت www.farsnews.net، ۱۳۸۷.
- ۱۵- شبان‌نیا، قاسم، کارآمدی دین در نظام جمهوری اسلامی، ماهنامه معرفت، شماره ۱۲۴، ۱۳۹۱
- ۱۶- شعبانی سارویی، رمضان، بازنمایی مدیریت راهبردی ولایت فقیه در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، سایت www.modiryar.com، ۱۳۹۱.
- ۱۷- شفیعی، محدثه، مقاله "نقش ولایت فقیه در حفظ وحدت جامعه"، ۱۳۹۱.
- ۱۸- شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، انقلاب ره توشه، چاپ اول، انتشارات سوره، ۱۳۷۷.
- ۱۹- عظیمی شوشتری، عباسعلی، مقاله "نقش ولایت فقیه در حفظ ارزش‌ها"، ۱۳۸۴.
- ۲۰- فتحعلی‌خانی، مصطفی، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، امکانات و موانع، فصل‌نامه صباح، شماره ۱۱، ۱۳۸۹.
- ۲۱- فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، جلد دهم، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۹.
- ۲۲- قائم‌مهری، مجتبی، مدیریت، روزنامه همشهری، ۱۳۸۴.
- ۲۳- قاسمیان، حسن، ولایت فقیه، چاپ اول، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۷.
- ۲۴- قاسمی، فرح‌الله، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام خمینی، فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
- ۲۵- مال‌میر، علیرضا، مقاله "مدیریت پژوهشی ولایت فقیه"، ۱۳۹۱.

- ۲۶- متوفی، ابی الحسین احمد بن فارسی بن زکریا، دارالحیاء التراث العربی، ۱۳۸۷.
- ۲۷- مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، سایت شارح، ۱۳۸۲.
- ۲۸- مصباح یزدی، محمدتقی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷.
- ۲۹- مظفری، آیت، مقاله "فرهنگ سیاسی"، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، چاپ اول، نشر زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۶.
- ۳۰- معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، چاپ سوم انتشارات ذوی القربی، قم، ۱۳۸۷.
- ۳۱- منصوری، جواد، مقاله "توسعه فرهنگی، مختصات و آسیبها"، فصلنامه پژوهش اندیشه انقلاب اسلامی، نشر شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۳۲- موسسه فرهنگی قدر ولایت، ولایت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.
- ۳۳- موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، اقتصاد و عرصه اقتصاد از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- ۳۴- موسوی، روح الله، صحیفه امام، جلد ۴ / ۵ / ۸ / ۱۰ / ۱۵ / ۲۰ / ۲۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
- ۳۵- -----، ولایت فقیه، چاپ سوم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴.
- ۳۶- موسویان، عباس، کلیات نظام اقتصادی اسلام، چاپ اول، نشر دارالثقلین، قم، ۱۳۷۹.
- ۳۷- ناصحی، مصطفی، ولایت فقیه و تفکیک قوا، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸.
- ۳۸- نبوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، چاپ ۱۸، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۹۱.
- ۳۹- نصرتی، علی اصغر، نظام سیاسی اسلام، چاپ ۸، نشرهاجر، قم، ۱۳۸۰.

۴۰- نظریور، مهدی، مقاله "اصلاحات سیاسی"، ندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، چاپ اول، نشر زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۶.

۴۱- هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، چاپ ۲۱، نشر میزان، تهران ۱۳۸۹.

۴۲- واعظی، احمد، حکومت دینی، چاپ دوم، نشر مرصاد، قم، ۱۳۷۸.